

هیات حاکمه :  
وحدت کلمه در

سرکوب

اختلاف سلیقه در

شیوه‌های آن

هیأت حاکمه در هفته اخیر، پرونده جنایات و کشتار روسکوب خود را کامل کرد و طوما رضد خلقی خود را بطور همه‌جانبه پیچید. هیأت حاکمه، از رهبر جمهوری اسلامی گرفته تا رئیس جمهور قسم‌های خود را که در اولین روز سال جدید، به مناسبت سال نو خورده بودند، بمرحله اجرا میگذارند. هیأت حاکمه با چهره‌دهد منشا نه وسعیت حیوانی خود، چنان دستش را رو کرد که توده‌ها، کارگران و زحمتکشان خلقها هنگی از خود سؤال میکنند: آیا واقعاً هیچ تغییری در اوضاع از زمانی که ما قیام کردیم داده شده است؟

حکومت، بطوریکه دست موافقت خود را با این جریان، یعنی سانسور و خفیان کشتار روسکوب اعلام داشته است، شورای انقلاب در اطلاعیه روز جمعه ۲۹ فروردین وحدت نظر خود را اعلام میدارد. آنها همگی اتحاد خود را باز یافته‌اند. و آنرا بیه اطلاع رهبران رسانیده اند که او نیز به نوبه خود آنرا تأیید کرده است.

هما نظر که قبلاً هم گفته بودیم حکومت در سال جدید قصد اردتکلیف خود را با توده‌ها و در پیشا پیش آنها با نیروهای انقلابی یکسره کند. آنها بخوبی واقف شده اند که از زیر جنبش انقلابی فزاینده توده‌ها، یک بهمن خونین بیرون خواهد دزد. و دانسته اند که طبقه کارگر هر روز بیشتر خود را از زیر بار موهوماتی که از صبح تا شب

بقیه در صفحه ۲

یادشدهای دانشگاه  
گرامی باد!



# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۹ دوشنبه ۸ اردیبهشت ۵۹ بهاء ۲۵۰ ریال

روز اول ماه مه روز جشن جهانی کارگران است. همه ما کم و بیش از او قهه‌ای که ۴۴ سال پیش در این روز در شهر شیکاگو آمریکا رخ داد اطلاع داریم و شاید بدانیم که چند سال بعد درکنگره بین المللی کارگران در پاریس روز اول ماه مه را روز کارگر نامیدند و از آن سال تا کنون کارگران سراسر جهان این روز را پنهنسانیا آتشکار جشن میگیرند.

اما چرا کارگران جشن جهانی دارند؟ کارگران جهان چه منافع مشترکی چه هدف مشترک و چه پیوندی با یکدیگر دارند که با یکدیگر روز دست

روز اول ماه مه روز جشن جهانی کارگران است. همه ما کم و بیش از او قهه‌ای که ۴۴ سال پیش در این روز در شهر شیکاگو آمریکا رخ داد اطلاع داریم و شاید بدانیم که چند سال بعد درکنگره بین المللی کارگران در پاریس روز اول ماه مه را روز کارگر نامیدند و از آن سال تا کنون کارگران سراسر جهان این روز را پنهنسانیا آتشکار جشن میگیرند.

اما چرا کارگران جشن جهانی دارند؟ کارگران جهان چه منافع مشترکی چه هدف مشترک و چه پیوندی با یکدیگر دارند که با یکدیگر روز دست

بقیه در صفحه ۴

دانشجویان در زیر بارانی از گلوله و در مقابل یا سدا زان و آبش اجیر شده توسط ارتجاع حاکم، همبستگی ستایش آمیز آنها، شور و شوق انقلابی زیاید الوصف و تحسین انگیزشان، بی باکی غرور آفرین شان، بیایداریشان در مقابل خستگی و بیخوابی

بقیه در صفحه ۱۰

پنجه‌های خون آلود  
بنی صدر اینک بر  
گلوگاه  
زحمتکشان کردستان!

دانشگاه  
کلاس خلق برای  
آموزش  
مبارزه طبقاتی!

هایی که مستشاران نظامی آمریکا-بی و اسرائیلی به او داده بودند بهره میگیرد. از یادگان سنندج خبر میرسد که فرمانده مزدور به سر بزان گفته است هر کس اعلامیه‌های نیروهای انقلابی را پخش کند، فوراً اعدام خواهد شد و دستور داده است هر کس را که

حما سه شورا نگیزمقاومت دلیرانه دانشجویان انقلابی دانشگاه در مقابل تجاوز رژیم حاکم به دستاوردهای قیام توده‌ها و آزادیهای دموکراتیک در تاریخ مبارزات دانشجویان انقلابی چون ستاره‌ای سرخ ثبت شده و خواهد درخشید. مقاومت دلیرانه

ارتش مزدور شاهنشاهی، که کینه دیرینه‌ای نسبت به خلقهای قهرمان ما دارد و هنوز مزه تحقیر و شکست مفتضانه خویش را از یاد نبرده است، حالا که بوسیله فقها و دولتیان، بظهور بر سرش ریخته و اسلامی شده است، میخواهد انتقام خویش را از انقلابیون بگیرد. و در این راه از همه آن چیز-

در صفحات دیگر میخوانید:  
\* نامه به کارگران اروپا و آمریکا (ا.ا. لنین)  
\* جهت علیه کومه له و آزی با خدا انقلاب  
\* حقاقت چندش آوری حکومت در مقابل بله با جشن جهانی کارگر  
\* اخبار جنبش  
\* درباره شعرا استقلال  
\* دو قطعه شعر.

بدون تردید پس از آنکه معلوم گردید بورژوازی طبقه اقتصاد حاکم ایران است که از لحاظ سیاسی نیز در قدرت سیاسی قرار دارد، تا بودی آن در دستور انقلاب ایران قرار میگیرد. تقریباً هیچ کدام از جریانهای مختلف جنبش کمونیستی در حال حاضر بیرون ما هیت این بورژوازیون نقش آن در حفظ سیستم حرفی ندارند.

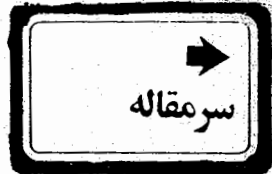
بقیه در صفحه ۱۳

درباره سه شعار  
راه کارگر

هما نظر که قبلاً هم گفته بودیم حکومت در سال جدید قصد اردتکلیف خود را با توده‌ها و در پیشا پیش آنها با نیروهای انقلابی یکسره کند. آنها بخوبی واقف شده اند که از زیر جنبش انقلابی فزاینده توده‌ها، یک بهمن خونین بیرون خواهد دزد. و دانسته اند که طبقه کارگر هر روز بیشتر خود را از زیر بار موهوماتی که از صبح تا شب

بقیه در صفحه ۲

## کارگران جهان متحد شوید!



این دشمنان خلق به او تحویل می‌دهند، رها می‌سازد. جنبش انقلابی در فاصله یکسال و چند ماه پس از قیام بهمن ماه نه تنها نمرده است که هر روز پر جوش و ترویجی تر، هر روز عمیقتر و وسیعتر، خود را به نمایش می‌گذارد. اعتمادتوده‌ها از هیأت حاکمه بریده می‌شود و واقعیت زمخت مبارزه طبقاتی ماهیت‌این غضب‌کنندگان و دزدان قیام بهمن ماه را بیشتر افشاء مینماید. در این میان نقش اساسی و مؤثر فعالیت کمونیست‌ها در میان توده‌ها، بجای شکی برای هیچ کس باقی نمی‌گذارد که خلوق ایران این بار راه انقلاب خود را به خوبی خواهد یافت.

اینست که در آستانه مبارزه ضد امپریالیستی، هیأت حاکمه که یک کمدی عوام‌فرویش‌پرستانه، ناگهان آمریکا را جتایکتا را بفراموشی می‌سپارد و بیاد می‌آورد: بازدهای حقیقی برای هیأت حاکمه امیر - یا لیس آمریکا بلکه همین جا، طبقه کارگر و متحدین او در انقلاب هستند. کودستان انقلابی است که خواب را از ۲۲ بهمن تا کنون از چشم هیأت حاکمه جدید بروده است! نیروهای انقلابی کمونیست هستند که در سخت‌ترین شرایط با عشق عمیق به راه پرولتاریا و وظیفه رادرمبارزه جاری به پیش می‌برند و لحظه‌ای از مبارزه و هدایت آن چشم نمی‌پوشند. هیأت حاکمه شیخ هولناک یک بهمن را بفرز سر خود می‌بینند. بهمنی که هر اقدار حکومت آنرا بزرگتر و ترسناکتر میکند: اینست که سرکوب توده‌ها و نیروهای سیاسی رهبر آنها در دستور روز حکومت قرار می‌گیرد و اینست که هیچکدام از این‌منغوران خلق این دشمنان دیرینه طبقه کارگر، مخالف سرکوب و کشتار نیستند بلکه از دل و جان خواهان آن و مجری آن می‌باشند ولی در عین حال هیأت حاکمه که حافظ سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم می‌باشند در درون خود دچار دو دستگی آشکار بوده و هست: بورژوازی و خرده بورژوازی هر یک شیوه خود را در سرکوب می‌خواهند

پیش ببرند. این شیوه‌ها کداست؟ آنچه مسلم است در راستای حکومت کوشش‌های عدیده‌ای جهت وحدت دادن به دو جناح حاکمیت سیاسی بعمل آمده که انعکاس خود را در اطلاعیه شورای انقلاب نسبت به تجا و زات عراق با زیا فته است. اما بورژوازی لیبرال و بنی صدر بطور مشخص نه تنها توافق روی اصل کلی سرکوب بلکه توافق روی تقویت دولت به مثابه ابزار سرکوب و کنترل را لازم میدانستند و میدانند. بورژوازی لیبرال که با درایت بیشتر و درک طبقاتی خود نسبت به مسایل بخوبی میدانند، شرایط بحرانی موجود چه در اقتصاد و چه در سیاست و جنگ کنونی در کردستان را نمیتوان به سادگی با وعده‌ها، نظا هرات و کشتار توده‌ها به خیال با ن پاسخ داد: بنه تنها تولید بیشتر، بلکه نظم بیشتر، تمرکز بیشتر ارتش و قوای نظامی و تقویت بیشتر دولت برای این امر لازم است. و در این راه هیچ وسیله‌ای

جز خراج کردن ارگان‌های غیرمترس - کز از دست فرما ندهان و گردانندگان آنها، جز ایجا دتظم در کارخانه‌ها و روستاها، جز انحلال و نابودی بسا برنا مه دفاتر سیاسی انقلابیون - جز سرکوب سازمان یافته، وجود ندارد. خرده بورژوازی و حزب جمهوری اسلامی که علاوه بر ماهیت خود به واسطه مبارزه قدرت دایمی در این بلوک سیاسی حاکم، دائماً با برنامهم فوق مخالفت میکنند، عملاً همه برنامهم‌های بورژوازی لیبرال و بنی صدر را با حرکات خود نقش بر آب میکنند و در بوته بی‌نظمی و هرج و مرجی نامطلوب برای نظم بنی صدری فرو می‌برند. با زرگان در محاسبه مطبوعاتی خود می‌گوید: "من دوستانم در مجلس چاقوی بنی صدر را تیز نخواهم کرد." وجهه ملی نیز تلویحاً این اظهار با زرگان را تأیید کرده است. این تصمیم بورژواها، در جهت تیز کردن چاقوی بنی صدر را روشنتر تقویت دولت بنی صدر، همزمان با اظهار

ناراضی آشکار این جناح هیئات حاکمه از اقدامات "لجام‌گسخته" و چندمرکزی و بی برنامهم جناح خرده بورژوازی، قدم به قدم در سیاست آنان ظاهر گردیده است. اکنون بورژوازی لیبرال از اینکه بجای پاسداران و توده‌های تحریک شده ناآگاه، ارتش به جنگ بر علیه خلق گردد و آنه کردستان شده است کاملاً راضی و شادمان است. در این گیرودار ارتش به تقویت خود و تکمیل ماسک اسلامی به جای چهره آریا مهری اش می‌پردازد تا در پناه آن هم‌تظم خود را با زیا بدو هم‌ماهیت ضد خلقی اش را پنهان نماید. از سوی دیگر خرده بورژوازی حاکم نیز این اجبار نظام را بجزان پذیرا شده است با این وجود مخالفتین بنی صدر در حاکمیت که بیم کم شدن قدرت خود را دارند، عملاً به مقاومت در برابر قدرت گیری بنی صدر و بورژوازی لیبرال در بلوک سیاسی پرداخته‌اند. مقامی که بهترین جلوه آن در جریان دانشجو بان ظاهر شد.

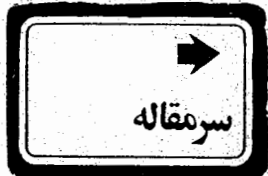
بنی صدر علناً در روزنامه انقلاب اسلامی روز دوشنبه ۱ اردیبهشت مقاله‌ای مینویسد و در آن می‌گوید: "در شرایط فعلی که ما در همه جا با مشکلات فراوان روبرو هستیم و محاصره اقتصادی واقعیت پیدا کرده است حتی بر مخالفان روا نیست که دولت را تضعیف کند. آنها که خود را معتقد به این انقلاب میدانند باید اصرار ورزند که هر کار از مجرای قانونی و از طریق مقام قانونی انجام پذیرد تا دولت بتواند تدریجاً امور مسلط گردد و چرخ اقتصاد را به حرکت درآورد. قوای مسلح را آماده دفاع از مرزهای گنبد که در معرض تهدید هستند." روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۱ اردیبهشت.

و بدنبال مطلب فوق می‌گوید: "چگونه می‌خواهید دولتی را که خودی در مرکز کشور و وابه چیزی نمی‌شود، دشمن در مرزها جدی بگیرد و در سراسر کشور برای تصمیماتش ارج و منزلتی بقیه در صفحه ۳

**اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت**  
**سالروز جهانی کارگر، سالروز نمایش قدرت**  
**لائزال کارگران، بر تو رفیق کارگر فخر خنده باد**

**رزندگان آزادی طبقه کارگر**

**اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده**



نیتا سد... با دیدهبوش بودویا تمام قوا کوشید تا کارها از مجرای قانونی انجام پذیرند... برای ما جنبش آزادیخواه نیست که اگر تصمیم شورای انقلاب به اجرا در نیاید نشانگاه دیر یا زود سنگرمخالفان خواهد شد " همانجا در اینجا بنی صدر مراحتاً به کسانی اشاره میکند که در درون حاکمیت سیاسی به تضعیف تمرکز قوای دولت و ارتش و غیره مشغولند. بنی صدر با تصمیم شورای انقلاب که همان "تصفیه انقلابیون از نشانگاه تصرف در افراترین تشویبان انقلابی است که ملا موافق و آنرا لازم الاجرا میدانند اما توسط دولت توسط قوای متمرکز، نه توسط عوامل خرد بورژوازی و به شیوه ای که به تمرکز بیشتر قوا (علی رغم برجسته شدن در افراترین تشویبان انقلابی) لطمه میزند. در روز جمعه وقتی اطلاعیه شور- ای انقلاب در ارتباط با جریان در- گیریهای دانشگاهی منتشر میشود به دانشجویان سه روز فرصت داده میشود بنی صدر در مصاحبه به خبرنگاران میگوید:

"من فکر میکنم، اولاً برای این کار (یعنی کشتار و حمله به دانشجویان انقلابی و تعطیل کردن دفاتر آنها)، موقع مناسبی باید پیدا کرد و دیگر اینکه وحدت رهبری نباید از دست برود و لیت باید اینکار را بکند." سرکوب آری، اما توسط دولت و در موقع مناسب. اینست سیاست بورژوا لیبرالها و اینست سیاست بنی صدر! بلافاصله پس از این اظهارات، محافل لیبرالها و حزب آنها (از قبیل حزب ایران) به تائید سیاست بنی صدر میپردازند. و بنی صدر از فضای متشنج سیاسی جهت تقویت بیشتر خود بهره برداری میکند. بنی صدر بتکار عمل را در دست خود میگیرد تا کار را از مجرای قانونی و "بدست دولت" به سرانجام برساند. و در این راه در عین وحدت، در سرکوب انقلاب با مخالفین خود در حاکمیت سیاسی که جناح خرده بورژوازی حاکمیت و حزب جمهوری اسلامی باشد، به تضعیف آنان میپردازد. او دائماً

دولت و رئیس جمهوری منتخب مردم را برخ مخالفین میکشد و کوشش میکند روحیه توده ها را بر علیه هر و مرجع روحیه حمایت از خود تبدیل کند و در این راه موضع خود را با انکاء به بورژوا- لیبرالها تحکیم میبخشد. بنی صدر به مثابه یک بورژوا، دقیقاً به مقدرات سیستم، به تولید، به نظم و امنیت... سرکوب سا زمان یا فته روی میآورد. او دقیقاً بر تاه پیام نوروزی امام خمینی را در برابر خود قرار میدهد و در برابر خود و عملاً میایستد (امام خمینی اقدام دانشجویان را تأیید میکند. و در پرتو روز دوشنبه خود آنها را تشویق هم مینماید!!).

بورژوا لیبرالها و بنی صدر بی باکانه جناح خرده بورژوازی و حزب جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار میدهند. آنها روزنامه صبح آزادگان را که بطور دقیق تریک ارگان رسمی خرده بورژوازی حاکم و فاعل تظاهرات شدت زیر حمله میگیرند و آن را همراه با روزنامه جمهوری اسلامی دشمن سرسخت خود میدانند.

بنی صدر میگوید: "حمله به مراکز سازمانهای سیاسی (البته به صورتی که حزب جمهوری اسلامی ترتیب داده است) توطئه بر ضد دولت و انقلاب است" اطلاعات اردیبهشت.

زیرا این کار خارج از کنترل او و خارج از قدرت دولت است. ارتش در کردستان "انقلابی" و بسو دولت است زیرا تحت فرمان اوست. اما فالتنها و اعضای حزب الله که توسط حزب جمهوری اسلامی و روحانیون حاکم عمدتاً سازماندهی شده اند تدبیر ضد دولت انقلاب هستند. روزنامه انقلاب اسلامی در شماره ۲۲۸ روز سه شنبه دوم اردیبهشت خط بندی بلوک سیاسی حاکم را دقیقاً ترسیم میکند و تفاهای درونی حاکمیت سیاسی را بر میسرمد توجه کنید:

"قصد این بوده است که نشانگاه را تعطیل و موج تعطیل را به همه جا بکشانند و به این ترتیب به بنی صدر رئیس جمهور منتخب مردم ضربه وارد کرده، وی را در مقابل افکار عمومی نتوان ازاداره کشور جلوه دهند

و برای این کار:

- پاره ای عوامل حزب جمهوری اسلامی هرجا میتوانند با کینه و بغض شدید علیه بنی صدر به تبلیغات مخرب هیپردازند و کوشش میکنند که خود را طرفدارانچمن های اسلامی جلوه داده و آنها را نیز به مخالفت با بنی صدر بکشانند.

- همه جا القاء میکنند که مستور حیت همه اشتباهات و نارسایی های گذشته و حال به گردن بنی صدر است! - با نسبت دادن این دروغ بیزرگ به بنی صدر که وی مخالف بعثت فرهنگی و تغییر نظام آموزشی است در دانشجویان عموماً و دانشجویان مسلمان خصوصاً القاء عدم اعتماد و بدبینی میکنند که بنی صدر در مقابل مسلمانان ایستاده است! و نتیجه میگیرند:

- باید فقط به امام اعتماد کرد... و اجرای هر تصمیمی از مجرای دولت غیر انقلابی و سازگارانه است.. - روزنامه آزادگان (ارگان خرده بورژوازی - رزمندگان) از مدتها قبل علناً به تبلیغات دروغ و برچسب و تهمت هایی که حتی ارتش پاسخ گفتن نیز ندارد بر علیه بنی صدر پرداخته و در مردم القاء میکنند که بنی صدر گرايشات ما ثوئستی (!؟) دارد و اطرافیان وی را عده ای ناباب و... گرفته اند... "انقلاب اسلامی شماره ۲۲۸ ص ۱

به این ترتیب نگراتی بنی صدر و روزنامه انقلاب اسلامی که این روزها به چاپ اظهارات لیبرالها و دفاع از آنها مشغول است معلوم میگردد. حزب جمهوری اسلامی و روزنامه آزادگان به ما نور و تبلیغات خود علیه بنی صدر مشغولند و کوشش میکنند ارگانهای حکومتی را ضعیف جلوه دهند و با راه انداختن به اصطلاح انقلاب فرهنگی، رئیس جمهور را از قدرت دور نمایند.

بهشتی در مصاحبه با تایمز میگوید: "ما آقای بنی صدر را نخواهیم گذاشت که روی صندلی ریاست جمهوری برای یک لحظه هم که شده بنشیند و از آن استفاده کند". رفسنجانی و

پس از او خود امام به این تشنج دا من میزند و این در حالی است که بیش از هر زمان دیگر فدا نیاز به وحدت عملی و نه وحدت تنها بر سر سرکوب دارد.

خود امام در بیاناتش خطاب به دانشجویان همان شیوه ها و همان عواملی را که بنی صدر مشخصاً مورد حمله قرار میدهد، دوباره تقویت کرده و اعلام پشتیبانی از آنها مینماید: دانشجویان مسلمان "پیرو خط امام" و سازمان دانشجویان مسلمان وابسته به حزب جمهوری اسلامی.

اما بنی صدر که تعادل قوای موجود در حکومت و در عرصه مبارزه طبقاتی ضعف جنبش را از لحاظ رهبری آن میبیند و خوبی ماهیت توان کننده و مردم مدعا هدین و فدا ثیان را فهمیده است آنقدر شجاع

ت پیدا میکند که نه تنها از خود دفاع کند بلکه خود را تنها نیروی بشمارد که میتواند حکومت کند. او میگوید که این انقلاب فرهنگی نمیتواند بلایی را بر سر من بیاورد که انقلاب فرهنگی در چین بر سر لیوشا تو چی آورد. او میگوید: "من لیوشا تو چی نیستم" تا حزب جمهوری اسلامی بر او حتی بتواند مابرا بکنار بکشد: "هیچیک از گروههای سیاسی آنقدر قدرت ندارد که بتواند از شفتگی استفاده کرده و قدرت را قبضه نماید" اینست موقعیت حقیقی هیئات حاکمه: تضا دیر سر قدرت، وحدت بر سر سرکوب و کشتار!

در حالیکه فدا انقلاب در جریان توسعه جنبش انقلابی بهم فشرده میشود، تفادهای درونی آن بواسطه وجود بلوک سیاسی کنونی در قدرت تشدید میشود و از طرف دیگر بخاطر رشد خود جنبش، آنان در مورد نحوه ازسر گذراندن و خواباندن جریان انقلاب به جان یکدیگر افتاده اند. لحظه ای هم نپایدتفا دهی درونی هیئت حاکمه، ما را نسبت به ماهیت حقیقی مجموع آن متوهم سازد.

اپورتونیتستی که امروز ما گرفتاریم در حالیست که ما بنی صدر بر تاه ما، اورا نسبتاً مترقی میدانند و به او توصیه میکنند

## سر مایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

اول ماه مه

بقیه از صفحه ۱

زمین، مغازه، کارگاه کوچک و غیره نیا شد و برای زندگی کردن راه چاره‌ای جز فروش نیروی کار رخوندان شده باشد. این افراد در کارخانجات با مسزد بسیارنا چیزها بردستمزدی کسه سرما یه داران پیشنها دمیکردند کسار میکردند و به زندگی خود در شرایط طاقت فرسا ادا مه میدادند. با رشد کارخانجات بعلت اختراعات هرچه بیشتر شدن سرما یه سرما یه داران کسه از بهر کار همین افراد بدست میا مد به تعدا دکا رخانجات و در نتیجه به تعدا دکسانی که چیزی جز نیروی کارشان نداشتند مالک هیچ وسیله کسب درآمد نبودند. اگر یک روز کار نمیکردند نداشتند این طبقه توسط صاحبان کارخانجات، بانکها و حتی کسانی که سرما یه نای چیزها میداشتند استثمار میشدند. هرکس کمترین سرمایه و مالکیتی نداشت. تولید داشت برای بهتر شدن زندگی خود از نیروی کار این طبقه استفاده میکرد. در مقابل، این طبقه که هیچ نوع مالکیتی نداشت تولید داشتند خواها ن آن بود که مالکیت خصوصی بروساییل تولید را نای بود کرده و مالکیت اشتراکی بروساییل تولید بوجود آورده یعنی زمین، کارخانجات و کارگاهها را در خدمت تمام مردم قرار داده و از درآمد خدمت رفاه کارگران و زمینکنان گذارد. بوجود آمدن این طبقه از همان ابتدا با مبارزه آنان علیه سرما یه داران همراه بود. مبارزه طبقه کارگر علیه سرما یه داران از کسکن ماشین و کتک زدن کارفرمایان آغاز شد و به شکلهای غایتز یعنی تشکیل اتحادیه‌های بزرگ کارگری و حتی انجمن‌های سیاسی متعلق به طبقه کارگر که مبارزات متحد کارگران را سازمان میداد ارتقاء یافت.

با رشد جنبش‌های کارگری و با رشد علوم و فنون و فلسفه و اقتصادان نشاندن آن زمان که با آخرین دستاویدهای دانش بشری آشنایی داشتند میفهمیدند که طبقه کارگر طبقه‌ای مستقل است، خواسته‌های مستقل دارد و سرما یه داری نظام مانع‌های است

که از کارگران استفاده میکنند در مورد چگونگی مبارزات کارگران، آینه‌ده آن و آینه‌ده جا معه نظرات متفا وتی وجود داشت که بسیاری از آنها بعلت عدم تطابق بروا قیعت مبارزه کارگران و حرکت جا معه نادرستی خود را بسیار زود تا بتمیکرد. در این میان تنها نظرات دودا نشمند بزرگ آن زمان ما رکنس وانگلنس کسه از نزدیک با جنبش‌های کارگری تماس داشته و بر آخرین سطح علوم زمان خود مسلط بودند حقا نیت خود را ثابت کرده و آینه‌ده مبارزات طبقه کارگر و جوامع بشری را با توجه به گذشته تاریخ و حقایق آن روزها معا اروپا که رشد یافته ترین جوامع بشری در آن زمان بودند، و بر اساس قوانین ماتریالیسم دیالکتیک کشف کردند. آنان نشان دادند که جا معه سرما یه داری رو به نابودی وفا میرود نشان میدادند که آینه‌ده جا معه سرما یه داری جا معه سوسا لیستی و پس از آن جا معه بی طبقه کمونیستی میا شد آنها نشان دادند که تنها کسانی که میتوانند این وظیفه تاریخی را بدوش بگیرند طبقه کارگر میباشند.

ما رکنس وانگلنس با نشان دادن آینه‌ده سرما یه داری به خوبی منافع طبقه کارگر را سرچها ن را که میباید در تمام جهان سوسالیسم و پس از آن کمونیسم را برقرار کنند نشان دادند. جوهر نظرات ما رکنس وانگلنس این آموزگاران کبیر طبقه کارگر در این جمله نشان داده شده "کارگران جهان متحد شوید" این جمله بر لای برنا - مه‌ای که آنان برای حزب کمونیست اولین حزب طبقه کارگر نوشته بودند و خود در تشکیل آن سهم بسیاری داشتند و پس از آن در ذهن تمام کارگران قهرمان و رزنده نقش بست. با رشد هر چه بیشتر سرما یه داران کارگران با گسترش مبارزات خود بیشتر اتحاد هم پیمانی خود را در مبارزه علیه سرما یه داران نشان میدادند.

کشف ماشین آلات و اختراعات وسیع روز به روز به تعدا دو سعت کارخانجات میا افزودند ولی با بزر-

گتر شدن هر کارخانه تا سپس آن سرما یه بیشتری میخواست سرما یه داران این را از بانکها میگرفتند و بانکها خود مستقیم در کارخانجات سرما یه گذاری میکردند. در این میان و بزرگ اساس بحرانهای سرما یه داری سرما یه داران کوچک و رشکسته و نای بود میشدند. دیگر کمترین سرما یه دارا حسب یک کارخانه کوچک پیدا میشد هر سرما یه دارا که در چندین کارخانه سهام داشت و محصول یک کارخانه ممکن بودند در یک کشور تولید کرده و سود ببرند. یا برعکس ممکن بود سهام یک کارخانه در دست چندین سهامدار از کشورهای مختلف باشد و سود آن به جیب تمام سهامداران برود.

این دوره‌ای بود که سرما یه بین المللی شده و در تمام جهان راه میافتد یعنی دوره امپریالیسم دورانی که سرما یه‌های بین المللی کارگران تمام جهان را مورد بهره کشی قرار میدادند. در این دوران جمله پرا رزش ما رکنس وانگلنس "کارگران جهان متحد شوید حقا نیت خود را هر چه بیشتر ثابت میکرد. در واقع طبقه کارگر، فاقده هر گونه وساییل و تنها ما حب نیروی کار خود، در برابر طبقه سرما یه دارا که ما حب ابزار تولید و ما حب برزندگی جا معه است، قرار داده. طبقه کارگر در همه جا شرایط واحدی دارد. در همه جا توسط سرما یه دارا استثمار میشود. و در همه جا هدفی جز نای بودی نظام سرما یه داری ندارد. این امر همه کارگران را در برابر دشمن واحد و برای هدف واحد، در سرتاسر جهان متحد میکند. در دوران امپریالیسم که منافع سرما یه داران جهانی هر چه بیشتر با هم گره میخورد، و طبقه سرما یه دارا به متنا به تنی و احد در برابر طبقه کارگر ظاهر میشود، این مسئله بیشتر وضحت خود را نشان میدهد. در این دوران کارگران ایرانی نه فقط توسط سرما یه دارا ایرانی بلکه توسط سرما یه دار اروپایی و آمریکایی استثمار میشوند و در نتیجه دشمنان و نه فقط سرما یه دار ایرانی بلکه تمام سرما یه داران جهان-

ند. است همینطور کارگران پاکستانی و هندی و مصری نه فقط توسط سرما یه دارا رخودش بلکه توسط امپریالیسم جهانی استثمار میشود. این روخواست مشترک و مبارزه کارگران ایرانی، پاکستانی، هندی و مصری همه و همه در جهت نای بود کردن تمام سرما یه داران جهانی است. کارگران کمونیست جهان کسه به آموزش‌های ما رکنس وانگلنس و لنین اعتقاد کامل داشتند و برای عملی کردن این اتحاد خود به کمک همین آموزگاران خود دست به تشکیل کنگره‌های جهانی کارگری زده اند که اهداف و نظرات خود را بروشنی درآیند و نای کرده اند. کارگران هر کشور با دولت خود و نظام حاکم هر کشور خود مبارزه میکنند ما هیچگاه منافع خود را جدا از منافع کارگران جهان ندانسته و با مبارزه در جهت سرنگونی دولت خود و کمک مادی و معنوی به مبارزات کارگران جهان وظایف خود را در جبهه مبارزات پرولتاریا انجام میدهند.

با توجه به این مسائل به سوال اول خود با زگردیم چرا کارگران جستانی جهانی دارند؟ اکنون میتوانیم به این سوال جواب دهیم: طبقه کارگر سرجها ن خواهان نای بودی سرما یه داری و مالکیت خصوصی بروساییل تولید و برقراری جا معه آزاد است که در آن از بهره کشی و استثمار زهری نیا شد این خواست مشترک کارگران سرجها ن را در مقابل تمام سرما یه داران قرار میدهد و روز جستانی جهانی کارگر روزی است که در آن همبستگی خود را با یکدیگر نشان داده و با قدرت متحد خود نای بودی سرما یه دارا رو برقراری جا معه ای کمونیستی را نای میدهند.

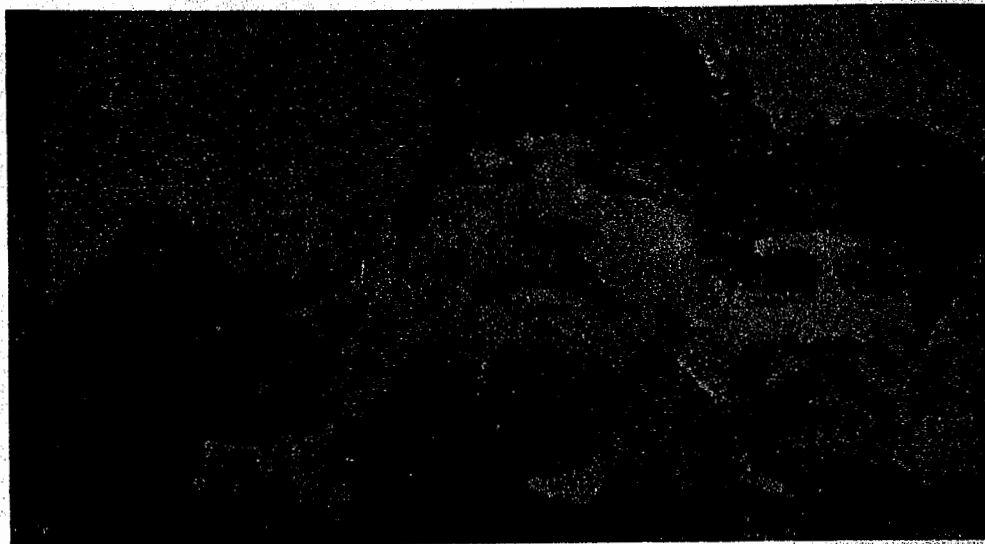


# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

به مناسبت یکصد و دهمین سالگرد تولد لنین .

## نامه به کارگران اروپا و آمریکا

و.ا.لنین



اسپارتاکوس آلمان ، باچنان رهبران معروف ومشهوری در سطح جهانی ، باچنان قهرمانان وفاداری به طبقه کارگر چون لیب کنتشت Liebknecht روزا لوکزامبورگ Rosa Luxemburg وکلارا زتکین Kelara Zetkien و فرانس مرینگ France Mering ، از سوسیالیستهایی چون شایمان Scheidemann وزودکوم Zudekum از سوسیال شونیست هایی ( سوسیالیست درگفتار ولی شونیست در کردار ) که از طریق اتحادشان یا بورژوازی امپریالیستی چپا ولگرا آلمان و ویلهلم دوم ننگ ابدی بر خود هموار کرده اند ، گسستند . انترناسیونال کمونیستی وقتی بیک واقعیت تبدیل شد که حزب اسپارتاکوس نام خود را به حزب کمونیست آلمان تغییر داد ، انترناسیونال سوم علی رغم آنکه بطور رسمی هنوز گشایش نیافته ، در واقع وجود دارد .

هیچ کارگردارای آگاهی طبقاتی و هیچ سوسیالیست مادقی ، دیگری نمیتواند از مشاهده خیانت نا جوان مردانه به سوسیالیسم توسط کسانی چون منشوکیها و اس آرها ، در روسیه ، شایدمان ها و زوکوم ها در آلمان رنودلها Renaudel و اندرولدها Vander Velde در فرانسه ، هندرسنها Henderson و وبها Webb در بریتانیا ، و کمبرها و شرکا در آمریکا که از بورژوازی خود در جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ حمایت کردند ، غافل شود . آن جنگ ، خسودرا کاملا به عنوان یک جنگ امپریالیستی ، ارتجاعی و غارتگرانه هم از سوی آلمان ، و هم از سوی سرمایه داران بریتانیا ، فرانسه ایتالیا و آمریکا نشان داد . کشورهای اخیرالذکر اکنون نزاع بر سر غناش ، بر سر تقسیم ترکیه ، روسیه ، مستعمرات افریقایی و یولتزیایی ، بالکان و غیره را آغاز کرده اند . وقتی ما تصرف

زفقا ، در بیان نامه ام به کارگران آمریکای تاریخ ۲ اوت ۱۹۱۸ نوشتم ، ما در آنجا ارتش های انقلاب سوسیالیستی جهان به یاری ما نشانند ، در دژ محاصره قرار دادیم . من اضافه کردم که کارگران از بیوع خائنین سوسیالیست چون کمبرها و ترهارها میگردند . کارگران به آهستگی ولی با استواری به تاکتیکهای کمونیستی و بلشویکی زوی میآورند .

کمتر از پنج ماه از زمان نگارش این عبارات میگذرود و باید گفت که در این ایام با توجه به روی آوری کارگران کشورهای مختلف به کمونیسم و بلشویسم ، بلوغ انقلاب پرولتری جهان با سرعت بسیاری به پیش رفته است .

در آن موقع ، در ۲۰ اوت ۱۹۱۸ تنها حزب ما ، حزب بلشویک قاطعانه انترناسیونال دوم فرتوت ۱۹۱۴-۱۸۸۹ را که با چنان شرمی در دوره جنگ امپریالیستی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ سقوط کرده بود ، ترک کرده . تنها حزب ما آشکارا راه جدید گذار از سوسیالیست ها و سوسیال دمکراسی که در اتحاد با بورژوازی غارتگر خود را رسوا کرده بودند به کمونیسم ، و گذار از فرورمیسیم و اپورتونیسیم خرده بورژوازی که به درون احزاب سوسیال دموکرات و سوسیالیستی رخنه کرده و هنوز هم رخنه میکنند ، به تاکتیکهای انقلابی پرو - لتری واقعی را برگزیده بود .

اکنون در دوازده ژانویه ۱۹۱۹ ما تعداد نسبتا زیادی از احزاب پرولتری کمونیستی را ، نه تنها در درون مرزهای امپریالیستی قدیمی تزاری ، بطور مثال درلات ویا ، فنلاند و لهستان - بلکه همچنین در اروپای غربی ، اطریش ، مجارستان ، لهستان و عاقبت آلمان - مشاهده میکنیم . بنیاد انترناسیونال سوم واقعا انقلابی ، واقعبین المللی و واقعا پرولتری ، انترناسیونال کمونیستی ، وقتی بیک واقعیت تبدیل شد که حزب

ساحل چپ (رود) را بین راه توسط بورژوازی، تصرف ترکیب (سوریه، یونانیا) و قسمتی از روسیه (سیریه، آرخانگلسک، باکو، کراسنودسک، عشق آباد و غیره) را توسط سرمایه داران فرانسوی، بریتانیایی و آمریکایی و خصوصت روزافزون برسر تقسیم غنائم را بین ایتالیا و فرانسه، فرانسه و بریتانیا، بریتانیا و آمریکا، آمریکا و ژاپن مبادله می‌کنیم، عبارات ریاکارانه ویلسون و پیروانش پیرامون "دموکراسی" و "اتحاد ملل" با سرعت حیرت آوری افشا می‌شود.

در کنفرانس روسیالیستهای پست و بی صداقتی که تا دیروز در دولت‌های امپریالیستی "خود" دفاع می‌کردند و امروز خود را به "اعتراضات" لفظی علیه مداخله نظامی در روسیه محدود می‌کنند عده مردمی که در کشورهای متفق راه کمونیستی، راه لک لیسن دیز، لوریو، لازاری و سراتی را در پیش گرفته اند و به فزونگی است، اینها نمانند نهایی هستند که در بافته اند اگر قرار است امپریالیسم در هم کوبیده شود و پیروزی سوسیالیسم و صلح پایدار مطمئن بدست آید، بورژوازی را باید سرنگون ساخت. پارلمانهای بورژوازی را نابود و قدرت شورایی و دیکتاتور پرولتاریا را برقرار کرد.

در آن موقع، در ۲۰ اوت ۱۹۱۸ انقلاب پرولتری به روسیه و "دولت شوروی" محدود می‌شد، یعنی نظامی که تحت آن تمامی قدرت دولتی به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان واگذار شده و هنوز به نظر می‌رسید که تنها یک نهاد روسی باشد (و واقعا هم بود).

اکنون در ۱۲ ژانویه ۱۹۱۹، ما دولت قدرتمند "شوروی" را نه تنها فی المثل در امپراطوری کهن تزاری لاتویا، لهستان و اکراین، بلکه در کشورهای اروپای غربی، کشورهای بی طرف (سوئیس، لهستان و نروژ) و در کشورهای که از جنگ آسیب دیده اند (اتریش و آلمان) مشاهده می‌کنیم. انقلاب در آلمان - که بخصوص بعنوان یکی از پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری مهم و برجسته است - بیک باره اشکال "شورایی" را بخود گرفت تا بحریان انقلاب آلمان و به ویژه مبارزه اسپارتنکیستها یعنی تنها نمایندگان حقیقی پرولتاریا، مبارزه علیه اتحاد شایدمان ها و زود کومها، آن را اذلال خائن، با بورژوازی، تمامی آنها آشکارا نشان می‌دهد که تاریخ، مسئله را در ارتبط با آلمان چگونه فرموله کرده است:

"حکومت شورایی" یا پارلمان بورژوازی؛ مهم نیست که تحت چه عنوانی (مثل مجلس "ملی" یا "مؤسسان") ظاهر شود.

این نکلی است که تاریخ جهان، ماله را فرموله کرده است. حال میتوان و باید پرا بدون گزاره گویی بنیان داشت "حکومت شورایی" دومین گام یا مرحله در تکامل دیکتاتور پرولتاریایی میباشد. اولین گام کمون پاریس بود. تحلیل درخشان و ماهیت و اهمیت که مارکس در کتاب خود موسوم به جنگ داخلی در فرانسه قائل بود نشان داد که کمون نوع جدیدی از دولت را ایجاد کرده بود، دولت پرولتری، هر دولت و منجمله دموکراتیک ترین جمهوری، چیزی نیست جز ماشین سرکوب یک طبقه بوسیله طبقه دیگر. دولت پرولتری ما - شین سرکوب بورژوازی توسط پرولتاریا میباشد. این سرکوبی بدلیل مقاومت سرخستانه و نومیدانه ای که زمینداران و سرمایه داران، تمامی بورژوازی و جیره خواران آنها، تمام استثمارگران، بیگانگام و از گونیان و بیگانگام خلق قدرت از آنها توسط خلق کنندگان قدرت آغاز میگردد، از هیچ اقدامی فرو نمیگذارد، ضرورت دارد.

پارلمان بورژوازی، حتی دموکراتیک ترین پارلمان در دموکراتیک ترین جمهوری که در آن مالکیت و حکومت سرمایه داران محفوظ است، ماشین سرکوب میلیونها زحمتکش توسط گروههای کوچک استثمارگران است. سوسیالیستها، رزمندگان

رهای مردم زحمتکش از استثمار ربا یار پارلمانهای بورژوازی ما دامیکه مبارزه ما به چارچوب نظام بورژوازی محدود است - بعنوان یک پلاتفرم، بعنوان یک پایگاه برای تبلیغ و تهییج و سازماندهی استفاده کند. اکنون که تاریخ جهان مسئله ما بودی نظام مذکور، واژگونی و سرنگونی استثمارگران، گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را مطرح کرده است. نسبت به دشمن طبقاتی پرولتاریا یعنی بورژوازی، خیانتی نتگین بوده و تخدید خود به پارلمانتاریسم بورژوازی، به دموکراسی بورژوازی، و عرضه کردن آن به عنوان "دموکراسی" نقاب کشیدن بر چهره بورژوازی آن. فراموش کردن این نکته که ما دامیکه مالکیت سرمایه داری وجود دارد حق انتخاب جهانی وسیله ای است در دست دولت بورژوازی، خیانت و ارتداد خواهد بود.

سه جریان سوسیالیسم جهانی که مطبوعات بلشویکی از سال ۱۹۱۵ بطور روزافزون درباره آن صحبت کرده اند امروزه در زمینه مبارزات خونین و جنگ داخلی آلمان بروشنی ویژه ای بچشم میخورد.

کارل لیب کنشت نامی است آشنا برای کارگران همه کشورهای. همه جا و بیوژه در کشورهای متفق این نام سمبل وفاداری است. این نام سمبل مبارزه و واقعا ما دقانه، واقعا از خود گذشته و بی ترجمه سرمایه داری است. این نام سمبل مبارزه ای سازش ناپذیرنه در گفتار که در کردار، مبارزه از خود گذشته دقیقاً در دوره ای که کشور "خودانسان" لبریز از پیروزیهای امپریالیستی است، میباشد. تمام سوسیالیستهای آلمانی که صداقت خود را حفظ کرده اند و واقعا انقلابی اند، تمام انانهای خوب و از جان گذشته درون پرولتاریا، توده های استثمار شده ای که ملت هب از خشم و تنفرند، و در میان نشان آمادگی انقلاب رشد میکنند در کنار لیب کنشت و اسپارتنکیست ها هستند.

در مقابل لیب کنشت، شایدمان ها، زود کومها و تمامی دار و دسته نوکران پست کایزر (پادشاه) و بورژوازی قرار دارد. آنها به همان اندازه نسبت به سوسیالیسم خائند که کمپرها و ویکتور برگرها Victor Berger هدر سنها و وبها، رنودل ها و واندرولدها، آنها نماینده قشر فوقانی کارگرانی هستند که رشوه خوار بورژوازیند، آنها بی که ما بلشویکها (با بکار بردن نام در مورد زود کومهای روسی، منشویکها) "عوام مسل بورژوازی در جنبش طبقه کارگر" میخوانند ایشان، و آنها بی که بهترین سوسیالیستهای آمریکا عنوان بسیار مناسب و بطور برجسته ای بر معنی "مبارزین طبقه سرمایه دار" را به آنها اطلاق نموده اند، آنها نماینده آخرین نوع خیانت "مبدرن" سوسیالیستی هستند، زیرا در تمام کشورهای متحد پیشرفته بورژوازی - خواه باستم استعماری یا با چنگ آوردن "منافع" مالی از کشورهای ضعیف رسماً غیرواسته - مردم را چندین بار به مراتب بیشتر از مردم کشور "خودشان" چپاول میکنند. این عامل اقتصادی است که بورژوازی امپریالیستی را قادر میسازد منافع فوق العاده به چنگ آورد که قسمتی از آن صرف ارتشاء قشربالایی پرولتاریا و تبدیل او به رفرمیست و خرده بورژوازی اپورتونیستی میشود که از انقلاب واهمه دارد.

مابین اسپارتنکیست ها و آدمهای شایدمان، و "کاسو-تسکیستها" Kautsky متزلزل و سست عنصر قرار گرفته اند که در گفتار غیرواسته، ولی در کردار کاملاً و همواره یکروز به بورژوازی و آدمهای شایدمان و دیگر روز به اسپارتنکیستها وابسته اند، عده ای پیرو این وعده ای پیرو آنند. اینها آدمهای بی ایده، بی استحکام، بی سیاست، بی شرف، بی وجدان، بی تضم زنده، افسون بی فرهنگیهایی هستند که در گفتار جانسب انقلاب سوسیالیستی را میگیرند، ولی در واقع از فهم آن زمانی که آغاز میشود عاجز بنویسند و شیوه ای مرتدانه بطور کلی از "دمو - کراسی" دفاع میکنند و در واقع مدافع دموکراسی بورژوازی اند

در هر کشور سرمایه داری، هر کارگر را خدیشمند در شرایط مناسب تاریخی و ملی، این سه جریان درون سوسیالیست‌ها و سندیکالیست‌ها را درک میکنند، زیرا جنگ امپریالیستی انقلاب نخستین پرولتری جهان جریانهای ایدئولوژیکی و سیاسی مشابهی را در سراسر جهان موجب میشود.

سطور بالا بیش از قتل وحشیانه و ناخواسته نمردها که کارل لیب‌کنشت و روزا لوزکا میبورگ توسط دولت ابرت و شایدمان نگاشته شده است، آن قضایان در خدمت بی‌پروا و بی‌گناهیهای سفید، سگهای نگهبان مالکیت مقدس سرمایه داری، اجازت دادند و روزا لوزکا میبورگ را بدون داد درسی به قتل رسانند، کارل لیب‌کنشت را با تیراندازی از پشت سرش با ادعای ساختگی آنکه او "مبادرت به فرار کرد" بکشند (تزاریم روسی اغلب از این بهانه برای به قتل رساندن زندانیان طی سرکوبی خونین انقلاب ۱۹۰۵ استفاده میکرد). در همان حال آن قضایان از کاردهای سفید با توریته دولت که ادعا میکنند که ملا بی‌گناه بوده و مافوق طبقات است، حمایت بعمل آورد. هیچ‌کلمه‌ای نمیتواند نادانان پاک و مصلحت منفور کشتاری را که سوسیالیست‌های جعلی مرتکب آن شده اند، توصیف نماید. آشکارا تاریخ‌پراستی را برگزیده است که پروری آن نقش "مبارزین طبقه سرمایه دار" باید تا "منتها درجه"ی قضاوت، بیستی و ردالت ایفاء گردد. بگذار آن ساده لوحان، که شونسکیستها در نشریه خود، برای هایت درباره دادگاه "نمایندگان" همه احزاب "سوسیالیستی" حرف بزنند (این روحهای خدمتگزار اصرار دارند که آدمکشهای شایدمان سوسیالیست اند) این قهرمانان حماقت بی فرهنگی و بزدلی خرده بورژوازی، حتی از درک آن عاجزند که ارگانهای قدرت دولتی بوده و مسئله مورد مبارزه و جنگ داخلی که اکنون در آسمان جریان دارد دقیقا مسئله کسی است که این قدرت را درست دارد - بورژوازی، که

شایدمان ها به عنوان آدمکش و محرک کشتار دسته جمعی و کاشو-تسکی ها به عنوان ستایش کنندگان دموکراسی محض در خدمت آتند، با پرولتاریا، که اسدما رگران سرمایه دار را سرنگون خواهد کرد و مقامتشان را درهم خواهد شکست.

خون بهترین نمایندگان انترناسیونال پرولتری جهان رهبران فراموش نشدنی انقلاب سوسیالیستی همواره توده های جدید را برای مبارزه مرگ و زندگی آبدیده خواهد کرد و این مبارزه تا پیروزی ادا می‌خواهد یافت. ما در روسیه، در تا -ستان ۱۹۱۷ وقتی که شایدمان، منشویکها و اس آرها ی روسیه نیز از "دولت" برای "پیروزی" گاردهای سفید بر بلشویکها حمایت میکردند و وقتی که قزاقها و کینوف را در خیابانهای پتروگراد بخاطر پخش اعلامیه های بلشویکی به قتل رساندند، در "روزهای ژوئیه" بصر میبردیم. ما زوری تجربه میدادیم این "پیروزیها" بورژوازی و جیره خواران نشان با چه سرعتی مردم را از توهمها - نشان درباره "دموکراسی بورژوازی"، "حق انتخاب جهانی" و غیره، رها خواهد ساخت.

بنظر میسرند بورژوازی و دولتهای کشورهای متفق در تنز -زلند، بخشی عقیده دارند که فساد کمون در میان نیروهای متفق در روسیه که به گاردهای سفید یاری میرسانند و در خدمت سیاهترین ارتجاع زمیندار و سلطنت طلب هستند، رخ نه کرده به عقیده این بخش ادا می‌دهد و مدخله نظامی و تلاش برای شکست روسیه - که معنای آن نگهداشتن ارتش یک میلیون نفره اشغالگر برای مدتی طولانی است - مطمئنترین و سریعترین راه برودن انقلاب پرولتری به کشورهای متفق است. مثال نیروهای اشغالگر آلمان در اکرائین این را بقدر کافی تأیید میکنند. بخش دیگری از بورژوازی متفق بر سیاست خود مبتنی بر دخالت نظامی، "محاصره اقتصادی" (کلما نسو) و محاصره جمهوری شوروی، پای میفشارد. همه مطبوعات در خدمت آن بورژوازی، یعنی



عید کارگران جهان فرخنده باد

نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم فقط فقط از طریق مبارزات کلیه زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر سرنگون خواهد شد. اول ماه مه را بر علیه نظام پیوسیده سرمایه داری جشن میگیریم تا سال جدید با تمام قوا کمر بسته سرنگونی اش ببندیم.

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

اول ماه مه (۱۱-اردیبهشت)

روز تجلی همبستگی

باشکوه کارگران جهان

بزرگواران ایران

فرخنده باد.



بقیه از صفحه ۳

سرمقاله

که از پاندهای سیاه و فانی و اعمال ارتجاعی جلوگیری کنند با بدبختی خوبی فهمیده باشند که حقیقت امور چه چیزی را نشان میدهد. سازمان چریکهای فدایی خلق که در تابستان ۵۸ با تک همه قدرت بدست بازرگان را رسداده بود و عجلانه گمان میکرد دفاع از لیبرالها به سود انقلاب است، هم اینک در توهم بنی صدر بسر میبرد. این سازمان که تا دیروز خود را با خیال بافی پیرامون جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه که ضدا میریالیست و بعضا انقلابی است مشغول میداشت اکنون چشم خود را معطوف به جناح دیگری میکند: از روی وقایع، هر سه هفته یکبار یک موضع اتخاذ کردن هیچ چیز جز توهم و تزلزل نسبت به ما هیت حقیقی هیات حاکمه را گواهی نمیکند. اینک بوضوح و جناح حکومت بجان هم افتاده اند اما نه بر سر آن چیزی که ضدا میریالیستی است، بر سر نظم حقیقی، بر سر کشتار متشکل و منظمی پراکنده و بی نظم، بر سر قدرت! آنها به یک اندازه ضدا انقلابی اند: اگر بنی صدر از حمله غیر دولتیان به داندنکاها اظهارناخرسند ی

میکند، از تصمیم شورای انقلاب مجدداً نه دفاع میکند، اگر بنی صدر با کشتاری برنامهمخالفاست با کشتار منظم ارتش و سایر ارگانهای سرکوب دولت کابل موافقت. اینست هیات حاکمه ما! پورتونیم آنکار چشم دوخته و از آن جزا عمل و حرکات ضدا انقلابی چیزی نمی بیند و مصرا نه بر سر موضع خود می ایستد، توهمات خرده بورژوازی را دامن میزند. به جای شعار "مرگ بر آمریکا" مرگ بر "ارتجاع" "باترس و لولز شعار مرگ بر آمریکا" را سر میدهد، و با همسه دروغهای هیات حاکمه و احزاب ضد انقلابی از قبیل حزب توده هم صد میشود. استدلالهای بیگران می آورد تا ثابت کند: بخدا قسم خرده بورژوازی در حاکمیت همین است! و این ترتیب شانه های خود را از زیر با ز تحلیل اوضاع موجود آزاد میکند. و اما در مقال چشم هراتسانی که تمایل بدیدن "عینیت طبقاتی" دارد، کاست حکومتی، به جناحهای طبقات متفاوت تعلق میگیرد. کاست درهم میشکند. کاست پیرایه فریب دهنده خود را که همان وجود کاذب

آن در تشویریهای "راه کارگر" است بدور میریزد. اعضاء کاست (از قبیل بنی صدر، بهشتی، رفسنجانی، آیت الله خمینی) هر یک مصالح طبقاتی و برنامهمخالفاست. اینست بجان هم میافتند، و یکدیگر را میدرند. کاستی که میبایست با همه کثافت و نفرت انگیزی اش "به حفظ نیستم بپر دازد، به تلاشی آن مشغول میگردد. کاست تشویری، در واقعیت عینی به طبقات معین تقسیم میگردد و عجز کامل تشویری "راه کارگر" را در مقابل انکشاف واقعیت نشان میدهد. خلقه بهم فشرده کمانی که حول ولایت فقیه جمع شده بودند، بیش از پیش به یک توهم آکا دمیک تغییر میباید. آنها قریباً دمیزند که "نه! نه! مگر ما نگفتیم این کاست مملو از تفادهای درونی است" و فراموش میکنند که این تفادهای درونی سی بلکه نسبت به هم بیرونی است. ما هیت تفادهای کنونی را آنکار کردیم و دیدیم که بنی صدر در مقابل بی برنامگی و حرکات دیوانه وار خرده بورژوازی حاکم به بورژوا لیبرالها متکی میشود و قدرت خود را بر آنان نیز استوار میکند. ما ما هیت خرده



نامه به کارگران...

اکثریت روزنامه های خریداری شده بوسیله سرمایه داران بریتانیا و فرانسه، سقوط سریع دولت شوروی را پیش بینی میکند، تا ویزو حشمتاکی از گرسنگی در روسیه ترسیم مینمایند، در باره "بی نظمی ها" و "بی ثباتی" دولت شوروی به دروغ گویی میپردازد. ارتشهای گاردهای سفید زمینداران و سرمایه داران کاست متفقین با کارگران، مهمات، پول و گروههای کمکی یار - یار می کنند. مرکز تحطی زده و بخشهای شمالی روسیه را از حاکمیت ملخیزترین مناطق، سیبری و دمن، جدا می سازند. پریشانی کارگران گرسنه پتروگراد و مسکو، ایوانوو - وزنیسک و سایر مراکز صنعتی البته عظیم است. اگر کارگران نمی فهمیدند که آنها از مرسوسیا لیسم در روسیه و سراسر جهان دفاع میکنند، هرگز قافله در به تحمل سختیها، عذاب گرسنگی که آنها با دخالت نظامی متفقین (که اغلب با وعده و وعیده های ریاکارانه برای عدم اعزام نیروهای "خودشان" پوشانیده شده است در حالیکه به اعزام سربازان "سیا هیوست" و نیز مهمات

پول و افسران، ادامه میدهند. محکوم به آن هستند، نمی بودند. "متفقین" و نیروهای گارد سفید، آرخانگلسک، پریم، آر تیورگ رستوف دن، با کوو عشق آبا در تصرف دارند و "دولت شوروی" ریگا و خا رکوف را از اشغال در آورده است. لاتویا و اوکراین به جمهوریهای شوروی تبدیل میشوند. کارگران می بینند که قریباً نیمی از عظیمشان بنیوده نبوده، پیروزی حکومت شوروی نزدیک است، به اطراف میپراکند، رشد میکنند و در سراسر جهان نیروگت میکنند. هر ما هیا نبرد سخت و قریباً بی سنگین، امر حکومت شوروی در سراسر جهان تقویت و دشمنان آن یعنی استثمارگران، تضعیف میگردند. استثمارگران هنوز از قدرت کافی برای بقتل رساندن بهترین رهبران انقلاب پرولتری جهان افزایش قریباً نیهها و آزار و اذیت کارگران در کشورهای و مناطق اشغالی یا تصرف شده، برخوردارند. ولی استثمارگران سراسر جهان بر سرای جلوگیری از پیروزی انقلاب پرولتری جهان که بیشتر از سوغ سرمایه و تهدید اندی جنگهای امپریالیستی جدید، که در سرمایه داری اجتناب ناپذیرند، از ادخواه ساخت، دارای قدرت کافی نمیباشند.

۲۱ ژانویه ۱۹۱۹ ن : لندن  
 پراودا شماره ۱۶ جلد ۲۸ صفحات ۳۶ - ۴۲۹  
 ۲۴ ژانویه ۱۹۱۹

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها، فقط



# بنابست سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ

## لنین

که قلب توفنده اش همواره در

دل‌های ما خواهد طپید

# پیاموزیم ایلیچ را!

بیا موزایلیچ را ،  
آن درسه‌های گرانبهای ،  
پیروزی درفش سرخ .  
بیا موز !  
آموختن است  
که ما را  
بسوی رهایی :  
ره‌مینمایند .  
بیا موز !  
تاحیله‌های پول را ،  
بدانی  
وقدرت کار را .  
بیا موزایلیچ را ،  
در هر لحظه‌ای که زنده‌ای ،  
و آنگاه در کوی‌های کار  
لشکر عظیم گرسنگان را ،  
سازمان بده :  
در ستاد درمنده ، پرولتاریا  
- بیا موزایلیچ را !  
- افشاگردشمان ما -  
سازمان بده نیروی کار را ،  
تا بر با زوانمان  
تنها خود را کم‌بایسیم .  
که تنها ما "اساس" جهانیم  
"تنها ما"  
بیا موزیم ایلیچ را .



بسیار ناگوار ی بیا را آورد . اینگونه  
مبارزه‌ایدئولوژیک ! و افشاگری  
پلیسی جز اینکه در خدمت ارتجاع  
قرار گیرد ثمری ندارد . ما خود بیا  
چنین شیوه‌های برخوردی از نظر  
اصولی مخالف بوده‌ و اطمینان داریم  
که رفقای کومله که استواری خود را در  
اصول و صداقت انقلابی‌شان را طی  
سال‌ها اثبات نموده‌ اند نیز چنین  
شیوه‌ای را بکار نخواهند گرفت و بیه  
نوبه خود از رفقای فدایی نیز  
انتظار داریم که تحت تاثیر تاکتیک  
های دیپلماتیک حزب توده قرار  
نگرفته و مبارزه سیاسی و ایدئولوژی-  
یک را تا حدشایع بردازی‌های مغر-  
زانه کاهش ندهند .

توسل به جعل علیه کومله ، توسل  
حمله تبلیغاتی به کومله و  
بستن اتهام همکاری با رزگاری  
بان در شرایطیکه ارتجاع حاکم مرتباً  
سعی در فریب دادن مردم و منتسب  
نمودن نیروهای انقلابی به بیگنا-  
نگان دارد ، و فراهم آوردن بهترین  
خوراک تبلیغاتی برای حزب خائن  
انقلابیون و نیروهای مترقی منطقه  
منجر میگردد ، مستقیماً توسط ارتجاع  
علیه خلق کرد ، از زبان فدائیان  
بکار خواهد رفت .  
بجای مبارزه حقیقی ایدئولوژی-

ژیک - سیاسی برداختن به تهمت ،  
از گرایشی حکایت میکند که بهر  
قیمت خود را میخواهد تنها نیروی  
سیاسی انقلابی منطقه جا بزند ، و این  
امر به وحدت نیروهای انقلابی در  
کردستان ، علی‌الخصوص در شرایط  
کنونی لطفاً سنگین وارد نمیکند .  
چنین گرایشی بورژوازی و براساس  
تبلیغات بورژوازیانه بجای  
برخورد ایدئولوژیک است . تاکتیک  
افشاگری علیه کومله ! تاکتیک  
جدیدی نیست ، ومدتی است ضد  
انقلاب بدان توسعه یافته است . نیرو  
های انقلابی با یدبا دقت ضمن مبارز  
زه ایدئولوژیک با یکدیگر و شرکت  
فعال در عرصه مبارزات توده‌ای ، از  
درافتن به این تاکتیک بپرهیزند

و جرجانی ) یا " از هر قطره خون ما  
مدها فدایی برمیخیزد " ( نقل از  
هما نجا ) و تکرار مکرر شعار درود بر  
فدایی در هر تظاهرات و میتینگ  
کوچک و بزرگ همه و همه بخوبی بیا نگر  
بیش از تحریف و نیمه‌گاستریستی  
رفقای فدایی و بی توجهی شان به  
پرولتاریا علیه تکرار مکرر نام آن  
میباشد . این همه را وقتی در کنار  
برخورد های سکتاریستی سازمان  
چریکهای فدایی خلق ، بی توجهی  
سازمان با تقاضات و عدم پیما-  
سخوبی با آنها و اخیراً گرایش بیه  
بالا بردن تا بلوی حزب طبقه کارگر  
قرار دهیم نتیجه‌ای جز این حاصل  
نمیگردد که رفقای فدایی همواره از  
خود حرکت میکنند ، و خود را محور عالم  
میدانند و هر جا از پرولتاریا نام  
میبزنند منظورشان همان سازمان  
چریکهای فدایی خلق است . ( این  
مسئله ریشه دیگری نیز دارد که در  
اینجا بدان نمیپردازیم )

بستن اتهام همکاری با رزگاری  
بان در شرایطیکه ارتجاع حاکم مرتباً  
سعی در فریب دادن مردم و منتسب  
نمودن نیروهای انقلابی به بیگنا-  
نگان دارد ، و فراهم آوردن بهترین  
خوراک تبلیغاتی برای حزب خائن  
انقلابیون و نیروهای مترقی منطقه  
منجر میگردد ، مستقیماً توسط ارتجاع  
علیه خلق کرد ، از زبان فدائیان  
بکار خواهد رفت .  
بجای مبارزه حقیقی ایدئولوژی-

# تهمت علیه کومله هم آوازی با ضد انقلاب

انتقاد از گذشته آنرا ظاهرکنار  
گذشته اند ) در پس این برخوردهای  
خود محوریمنا نرفقای فدایی  
نهفته است ، تاکتیک تبلیغ زیاده  
روی نام سازمان و پرافتخار بودن  
آن بدون کوچکترین اشاره‌ای به  
غیراصولی بودن آن می‌ای که  
این افتخارات را بوجود آورده ،  
تکرار مکرر شعار پرافراشته با دیرچم  
خونین سازمان چریکهای فدایی  
خلق - بجای پرچم سرخ پرولتاریا -  
دادن شعارهایی مانند " مردمی  
که متحدند هم قهرمانند همه فدایی‌اند "  
( نقل از ویژه نامه کار در مورد شهادت  
ذات رفقا توماج ، محتوم ، واحسدی آن در آیتسندده میتوانند اشعارات

بوسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!

بقیه از صفحه ۱۰  
دانشگاه ...

وفشارهای متعدد و بلاخره بردبار -  
بشان در مقابل توده های ناآگاه و  
و فریب خورده، از این حرکت آنچنان  
حماسه ای ساخت که سالها در اذهان  
بیدار روزه خاطر پرشکوه خود را حفظ  
خواهند نمود. این مقاومت ضربه ای  
کوبنده بود که حتی مرتجعین کور دل  
را متقاعد ساخت که کمونیست ها در  
راه آزادی سروجان میبازند و بس  
آرمان های مقدس خویش حقیقتاً پا -  
بدارند. در عین حال این پایمردی  
رزمجویان نه دانشجویان خنجر بی  
که پرده های تاریک دود مفتی و پستی  
"توده ایها" های را که همواره آزا -  
دی را از ارتجاع گدایی میکنند و  
همواره آنان از کف مینهند از هم درید  
و بروشنی نشان داد: آنجا که مقا -  
ومت توده ای هست "توده ای" ها  
نیستند و نمیتوانند با شند. مقاومت  
قهرمانانه دانشجویان انقلابی  
حکومت را مبهوت کرده توده ها را  
بحرکت در آورده و "توده ای" ها را  
مفتوح ساخت.

اما تجلیل بدون تحلیل کنار  
ساز نیست. مقاومت سه روزه دانشجو -  
یان انقلابی دانشگاه وحو -  
ادث بعدی و اثرات مترتب بر آن  
درسهایی پس آموزنده در برداشت  
که در ذیل اجماً به برخی از آنها  
اشاره میکنیم.



همه جناحهای هیأت حاکمه در  
سرکوب کمونیستها و توده های مزد م  
توافق دارند.

شکی نیست که بر فامه هجوم سه  
آزادیهای سلی در دانشگاه توسط سران  
حزب جمهوری اسلامی طرح و تهیه شده  
بود. سخنرانی خامنه ای در نماز  
جمعه، مقالات دو هفته اخیر روزنامه  
جمهوری اسلامی و قطعنامه میسینار  
رسالت دانشجو و دانشگاهی همگی مؤید  
ادعای فوق هستند. بنی مذاکسه  
دشمنی خود را با نیروهای کمونیست و  
بازآادی بخوبی نشان داده است به  
دلایل خاص خود مخالف هجوم چماقد -  
اران به دانشگاه بود. بنی صدخوا -  
ستار تمرکز قدرت است، او دشمن  
نیروهای انقلابیست اما با هر نوع

حرکت بر علیه آنها ( نیروهای  
انقلابی) که تمرکز قدرت را تضعیف  
نماید مخالف است. او خواستار  
سرکوب قانونی آنهاست. او بنام  
دولت مردم را بر علیه نیروهای  
انقلابی و توده های ناراضی تحریک  
میکند اما با تحریک مردم توسط  
دیگران ( بر علیه همین نیروهای  
انقلابی ) اگر در مسیر وجهتی باشد  
که به تعدد مراکز قدرت بیا نجامد  
مخالف است. رهبران جمهوری  
اسلامی تصمیم گرفته بودند که دانشگا  
را حتماً برای یکسال تعطیل کنند و  
چماقداران و وابش حزب الهی را به  
سر وقت دانشجویان بفرستند. بنی  
صدری کرد تا این حرکت را بنام  
دولت و ط پاسداران انجام دهد  
جناحهای مختلف هیأت حاکمه بعلمت  
مبارزه ای بر سر قدرت با یکدیگر  
اختلاف داشتند و دارند. اما هنگامی  
که مسئله مقابلیه با نیروهای انقلابی  
و توده های مردم پیش میآید هیچ  
اختلافی ندارند. تمام جناحهای  
هیأت حاکمه در کشتار دانشجویان  
انقلابی شرکت داشتند.

### نابینایی دموکراتهای

انقلابی

اتحاد دانشجویان کمونیست  
و مقاومت متحدانه آنان تا پیگیری  
دموکراتهای انقلابی را به نمایش  
گذاشت. مجاهدین با بنی صدراش  
کرده و کنار کشیدند. شرکت مجاهدین  
در این حرکت نمیتوانست ابداً شیر  
آن بر روی توده ها را دوچندان یا خسته  
و چه بسا باعث عقب نشینی رژیم گردد.  
سازمان مجاهدین خلق با سازشکاری  
خود لطمه ای شدید به این حرکت بنا  
شکوه وارد نمود. آنها حتی در روزنامه  
مورخ سه شنبه ۲/۲ اشاره ای هم به  
مبارزات قهرمانانه دانشجویان  
کمونیست و تیراندازیها و حشیا نه  
پاسداران در شب قبل که تمام شهر را  
آشفته ساخته بودند نکردند. جنبش مسلماً  
تان مبارزاً به انتقادی دوستانه

و اشاره به انحرافی بودن این حرکت  
اکتفا نموده و کلمه ای در مورد سرکوب  
و کشتار رزبان نیا وارد نمود حتی توصیه  
نمودند که در برابر سرکوب و سورش  
و حشیا نه ارتجاع سکون شده و کاری  
انجام نشود. جا ما به قهقرا رفت و  
اعلام کرد که تنها با حمله به دانشگاه  
قبل از موعد مقرر مخالف است! و از  
دفا ترسیاسی و اشغال آنها توسط  
مزدوران حکومت حتی کلامی نگفت.  
این درس بزرگی است که بما این  
آموزش بزرگ را دوباره یادآوری می  
نماید که امتزاج دموکراتیسم  
پرولتری با دموکراتیسم خرده بور -  
ژوازی انقلابی از قدرت اولی خواهد  
کاست و پرولتاریا در حین حمایت  
از این نیروها با یدهمواره بر استقلال  
صف خویش پای فشارد.

تا کتیک ها  
ما در زهن خود به دانشجویان  
انقلابی در تاریخ ۱/۴۰ متذکر شدیم  
که:

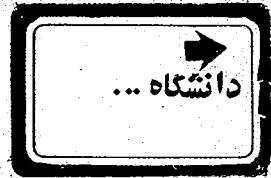
- ۱- هر سنگری که بدون مقاومت  
تسلیم گردد زمینهای خواهد شد برای  
آسان از دست دادن دیگر سنگرها و  
هر قدر می که ارتجاع به پیش میگذارد،  
در صورتیکه با مقاومت جدی روبرو و  
نگردد و در دربرداشتن قدمهای  
دیگر راسخ تر خواهد نمود در شرایط  
فعلی با یبیا عزمی آهین در برابر  
یورش ارتجاع ایستادگی نمود و با  
حفظ جمعیت دانشجویی زمینیه را  
برای مقاومت در مقابل یورشهای  
وسیعتر ارتجاع آماده ساخت. هیأت  
حاکمه در این حرکت ضد انقلابی  
و ارتجاعی خود بر علیه دانشگاه ها  
از پشتیبانی نوده ای وسیعی برخوردار  
نیست بختی از بورژوازی نیز با این  
نوع حرکات (بدلایل خاص خود)  
توافقی نداشته و مخالف است لذا  
موقعیت هیأت حاکمه در مجموع  
چندان استوار نیست و این امر  
مقاومت در مقابل آنرا تسهیل  
میسازد. لیکن هیچگاه این نکته را  
نیا بدفرا موش کرد که وحشت هیات  
حاکمه از نیروهای انقلابی کمونیست  
بحدی است که در مقابل آنان از هر  
گونه عملیات سبانه و وحشیانه فرو

گذار نخواهد کرد. دانشجویان  
میبایست ضمن مبارزات و وزیدن به  
مقاومت آمادگی لازم برای عقب  
نشینی بموقع در مقابل یورش  
و حشیا نه رژیم را داشته باشند -  
شند و یاد کنند که اشغال دانشگاه و دفا  
تر دانشجویی به کمک زور سرنیزه و  
در مقابل به مقاومت دانشجویان  
انقلابی نه تنها شکستی برای دانشجو  
یان محسوب نمیکرد بلکه عاملی  
است که باعث مفتوح شدن رژیم در  
سطح وسیع و گسترده میگردد.

۲- دانشجویان کمونیست  
و انقلابی میبایست این حرکت ارتجا  
عی را با برخوردی صحیح به ضد خود  
تبدیل نمایند. آنها با یباین مو -  
ضوع را بمیان توده ها ببرند. باید  
بهر طریق که میتواند، از طریق  
بحث با دوستان و اقوام و آشنایان،  
از طریق شرکت در بحثهای خیابانی،  
براه انداختن نظرات موضعی،  
تهیه اعلانات و تراکت در این رابطه  
و غیره ما هیبت یورش ارتجاع را برای  
مردم افشاء نمایند. میبایست به  
توده های مردم علت یورش به  
دانشگاه ها و رابطه آن با ما هیبت  
هیأت حاکمه و ترس آن از نیروهای  
انقلابی را توضیح داد. میبایست  
برای توده های مردم این مسئله را  
روشن ساخت که یورش اخیر هیات  
حاکمه به دانشگاه ها ما هیبتاً تفوتی  
با حملات رژیم آریا مهری به دانشگاه  
ها ندارد. باید توضیح داد که هر روزی  
که بخواد در ایران نظام سرمایه  
ری را حفظ کند ناچاراً از مقابلیه با  
نیروهای انقلابی است. دانشگاه در  
اذهان توده های مردم ما بنسوان  
مظهر علم و فرهنگ و انقلاب آزادی  
شناخته شده است. باید از این موقعیت  
برای افشای رژیم و بالابردن آگاهی  
توده های مردم استفاده نمود.

( نقل از اعلامیه تمام نیرو  
توطئه ارتجاع را بر علیه دانشجویان  
انقلابی را خنثی نمایم) رزمند -  
گان ۱/۳۰  
مقاومت سه روزه دانشجویان  
بخوبی توست اهداف فوق را در  
حدی که از آن انتظار میرفت بمرحله

## دست ارتجاع از حریم دانشگاه کوتاه!



عمل در آورد. مقاومت دانشجویان رژیم را وادار ساخت تا چهره کریه و ضد خلقی خویش را به وضوح بیشتر در معرض نمایش بگذارد. تیراندازی بی دریغ و وحشیانه پاداران زدوخوردهای مکرر و آژیر آمبولانس ها خاطره روزهای قیام را در اذهان زنده نمود و شهر را تا صبح بیدار نگه داشت. وحشیگری پاداران و اوپاش حزب الهی بخشی از مردم را در دوشنبه شب واداشت تا به حمایت از دانشجویان شافار داده و به تظاهرات بپردازد. زنده مسئله دانشجویان به میان آمده ها رفت و مبدل به امر آنان گشت و افشاگری وسیعی حول آن صورت گرفت و این پروسه هنوز هم ادامه دارد. مقاومت قهرمانانسه دانشجویان کمونیست رژیم را به هراس افکند. مسلماً از این پس دولت جمهوری اسلامی و سران مرتجع حزب جمهوری اسلامی در بر داشتن قدم های دیگر در سرکوب آزادیهای دموکراتیک و مبارزات بوده ها با مشکلات بیشتری مواجه خواهند گردید بنظر ما ترک و تخلیه دفاعی تردان دانشجویی در صبحگاه سه شنبه و یکساعت قبل از موعد مقرر از نظر تاکتیکی صحیح و اصولی بود اکنون نیز اثر صحیح ارزیابی نمیشد این شکل از مبارزه دیگر وظیفه خود را انجام داده با هدف خود نایب گردیده و درس خوبی به مرتجعان داده بود و ادامه بیشتر آن صحیح نبود. بخصوص که موجب رود رویی با توده های نا آگاه و فریب خورده و مسرود میگشت و مقابله با برابری را بوجود می آورد. علیرغم مبارزات پرشور دانشجویان و تأثیر آن بر توده ها هرگز نمیتوان فراموش کرد که هنوز هم بخش وسیعی از توده ها نا آگاهانه دنباله روزیم هستند و آن اعتماد دارند. ادامه مبارزه دانشجویان به همان شکل، مصادف بود با رود رویی و درگیری با توده های نا آگاه و تحریک شده مردم. علاوه بر این کشتار وحشیانه رژیم تا موقع تخلیه و بیم قضایی وسیع تر در پارتیسان مهلت مقرر نیز عاملی بود که نمیتوان

انست در محاسبات منظور نگردد. با توجه به جمیع نکات فوق همچنانکه گفتیم تا کنیک فوق راصیح و اصولی دانسته و معتقدیم که این امر بهیچ وجه بمعنای شکست و عقب نشینی دانشجویان نیست. دانشجویان مبارزه خود را از همان روز سه شنبه با شکالی دیگر ادامه دادند و خواهند داد. افشاگری بر سر هر گوی و برزن، تظاهرات و تشییع جنازه در روز سه شنبه و تظاهرات موافقت آمیز بعد از ظهر چهارشنبه و غیره هر یک بنوبه خود تا شیر چشمگیری در آگاهی توده ها داشته و علیرغم تشبیهات دروغها و تبلیغات شرمگینانه رنجناح حاکم در روشنگاری انقلابی توده ها بی مؤثر افتاد است دانشجویان عقب نشینی کرده و بمیان مبردم رفتند. تا با ردیگری و موندت سر پیش آیند.

نکته قابل ذکر در اینجا عبارتست از برخورد سکتاریستی رفقای فدایی. مبارزه مشترک و ضرورت سازماندهی و هدایت صحیح آن از دل خود کمیته سیاسی مشترک رابیرون داد. این کمیته مرکب بود از رفقای فدایی، پیکار، راهکار، رزمندگان (که دانشجویان مبارزان را نمایندگی میکرد) این کمیته مبارزات دانشجویان را هدایت و رهبری نموده و مشخصاً با نام "تشکیلات" به دانشجویان رهنمود میداد. رفقای فدایی که در طی چند روز مقاومت همکاری و همکاری مثبتی از خود نشان داده بودند اینها گمان با عملکرد سکتاریستی و تصمیم گیری یکجانبه خود کمیته سیاسی را عملاً منحل نمودند. سازمان چریکهای فدایی خلق بدون اطلاع نمایندگان دیگر سازمانها خود به مذاکره با بنی صدر پرداخت و سپس بطور یکنجانبه تصمیم خود را گرفته و اعلام نمود که بر اساس آن حرکت خواهد کرد. رفقای فدایی بدون طرح نظر خود در کمیته سیاسی و تلاش برای رسیدن به تصمیمی مشترک با زیربنا گذاشتن ابتدایی ترین اصول حاکم

بریک حرکت مشترک یعنی تصمیم گیری جمعی بار دیگر خود محور بینی و سکتاریسم را که دیگر از زمهره اعمال معمولی چریکهای فدایی خلق گردیده به نمایش گذاشتند. رفقای فدایی تا آنجا که منافعی زما نیشان ایجاد میکردند کمیته همکاری نمودند و زمانیکه دیگر این امر ضروری نمیدانستند بدون توجه به کمیته سیاسی سازمانهای دیگر فقط با در نظر گرفتن منافع خود کمیته را عملاً برهم زدند و به این ترتیب باعث گشتند که این حرکت و مبارزه مشترک و پرشور با تفرقه بایان پذیرد و کمیته سیاسی نتواند تا با خرمبارزه را هدایت و رهبری نماید.

مقاومت قهرمانانسه دانشجویان و کشتار آنها توسط عوامل رژیم در سراسر کشور، موج عظیمی از نارضایتی را برانگیخته است. پاداران جمهوری اسلامی، در عرض مدتی کمتر از سه روز بیش از هفتاد شهید را به شهادت رسانیده و چند هزار نفر را مجروح و مضراب ساخته اند در گردستان نبرد خونین، میان مردم قهرمان کردستان و ارتش ضد خلقی ادامه دارد و به سطح بالایی از شدت و خشم رسیده است. در چنین اوضاعی دانشجویان کمونیست، میبایست بدون لحظه ای تردید و درنگ، قاطعانه و بدون تزلزل، به مبارزه خود با رژیم حاکم ادامه دهند.

مبارزه دانشجویان کمونیست در شرایط کنونی باید با توجه به نکات زیر ادامه یابد:

۱- رژیم ضد انقلابی، تهاجم گسترده و با برنامهای رابراسر سرکوب توده ها و خاموش کردن آتش مبارزات آنها آغاز نموده است، که هدف اصلی آن "استقرار جمهوری اسلامی" و تضمین بقای حکومت بر پایه قتل عام و سرکوب بیرحمانه توده ها است. رژیم ضد خلقی که پایه های حکومت خود را است و شکننده میافت بطور حجاب شده در مسدد از میان برداشتن تمام جلوه های آزادیهای دموکراتیک برآمد، تا

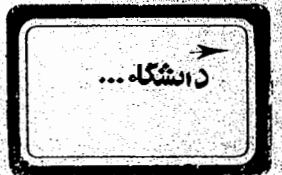
مانع از ریختن سریع دیوار توهم توده ها گردد، کشتار بیکاران، بنیادان گردستان، بستن دفاتر سیاسی دانشجویان، قتل عام دانشجویان انقلابی همگی حکایت از ایجاد وسیع برنامهای حکومت برای استقرار جمهوری اسلامی در واقع نظام سرمایه داری وابسته دارد.

در مقابل این یورش گسترده هیئت حاکمه، مقاومت دانشجویان برای دفاع از حقوق سیاسی خود، یکی از عرصه های مهم مبارزه با ظلم خشنی کردن توطئه های رژیم در جهت تثبیت نظام سرمایه داری وابسته است. لذا دانشجویان باید مبرانه و بیگنانه با خطر حفظ و پاسداری از حقوق و آزادیهای خود مبارزه کنند و علی رغم بسته شدن دفاتر سیاسی - اثنان فعالیت سیاسی و صنفی خود را بطرق مختلف و با استفاده از همه امکانات و شیوه های ممکن مجدداً نه دنبال کنند.

۲- کشتار وحشیانه دانشجویان با وجود آنکه نقش مؤثری در نمایان ساختن چهره شوم و ضد خلقی هیئت حاکمه برای توده ها ایفا نموده، و افشاگری دانشجویان انقلابی و کمونیستها در این رابطه تا شریکادی در افزایش آگاهی توده ها نسبت به ماهیت حکومت داشت. مع هذا هنوز بخش وسیعی از توده ها دستخوش توهم نسبت به هیات حاکمه میباشند و نسبت به ماهیت حاکمه نسبت به ماهیت هیات حاکمه میباشند. این واقعت موجب آن میشود که مسئله تبلیغ و افشاگری در رابطه با توده ها به نحو برجسته ای در دستور کار دانشجویان انقلابی قرار گیرد که موضوع سرکوب و کشتار دانشجویان در اول اردیبهشت و بستن دفاتر سیاسی آنان یکی از موضوعات مهم در این زمینه میباشد. تا بدین نحو مورد بهره برداری تبلیغاتی تشکیل های کمونیست و دانشجویان انقلابی قرار گیرد.

با این حال آنچه بیشتر موجب برجسته شدن نقش تبلیغ و افشاگری در مقطع بعد از اول اردیبهشت

مبارزه خلق کرد از مبارزات دیگر خلقها جدا نیست!



میباشد تحریکات پدیدرژیم جمهوری اسلامی بر علیه کمونیستها، وتبلیغاً منفی حول بی نظمی، هرج و مرج و بلشوی سیاسی است، که با بر - انگیزتن روحیه محافظه کارانه مردم و دمیدن وحشت از بی نظمی، ناامنی و هرج و مرج در آنها ومنسوب کردن این مسائل به کمونیستها، جوتحریک وهیجانی بر علیه آنها بوجود آورده است. وجود این عوامل، خودسبب میگردد، که بعد از اول اردیبهشت، کمونیستها در مسیر ادامه مبارزه خود با هیجانی و احتیاط بیشتری عمل کنند، وسیعی نمایند که از پدید آمدن صحنه های درگیری ورودر رویی با توده های نا آگاه و فریب خورده جلوگیری شود. حرکات و برنامهای که به چنین درگیریها ورودر روییهایی با توده های فریب خورده و تحریک شده مردم بیانجامد، جنبه چپ روانه آونماستنا سبب با اوضاع هیجانی و برانگیخته کنونی دارد.

بدین جهت دانشجویان انقلابی با پیدای زبر پیا داشتن تظاهرات و

راهیما بی های نسنجیده که بینظمی و هرج و مرج را دامن میزند، خودداری کرده و افشاگریهای نمایی خود را و احیانتظا هراتی که بهمین منظور برگزار میشود با رعایت جنبه های فوق و با استفاده از شیوه های متنا - سبب با محیط و اوضاع سیاسی هر منطقه و در عین حال با استفاده از کلیه امکانات دنبال نمایند.

۳- واقع بستن دفاع ترسیاسی دانشجویان انقلابی و مقاومت دلیرانه آنان برای جلوگیری از آن، آزمونی مهم برای نیروهای انقلابی اعم از دمکرات و کمونیست بودتسا ماهیت واقعی شان را در قبال اوضاع سیاسی رویدادها و برخورد به هیات حاکمه عیان سازد. مما سئاسات و سازشکاری پنهان سازمان مجاهدین خلق با بنی صدر و رضایت به بستن دفاع ترسیاسی و خالی کردن سنگر مقاومت در برابر یورش ارتجاع از جمله جلوه های بارز نا پیگیری و تزلزل دمکرات ها در میا رزه بر علیه سرمایه داری وابسته میباشند.

که در آینده بیشتر و بیشتر از جانب سازمان مجاهدین خلق مشاهده خواهد - هم کرد. شنا ساندن ماهیت عملکرد این سازمان در میان توده ها و اعضای هوا دا رآن ونیز سایر توده ها علی الخصوص در این مورد خاص از زمره کارهایی است که دانشجویان انقلابی باید برای پیشبرد مبارزه خود بدان بپردازند.

از این گذشته، واقعیه اول اردیبهشت، محک با ارزشی بود که یکبار دیگر تزلزل و تردید سازمان چریکهای فدایی را در قبال حکومت نشان داد. این سازمان که با تردید و در عین حال همراه با مذاکره با مقامات حکومت بخاطر بدست آوردن امتیازاتی بدنبال توده های دانشجویان انقلابی کشیده میشد، سرانجام با عقب نشینی با تفاق کلیه نیروهای انقلابی درگیر، هر نوع فعالیت نمایی بر علیه رژیم حاکم را از موضعی راست، چپ روانه آرزیا بی نموده، و مبارزه خود را با هیات حاکمه صرفاً در حد تبلیغ و افشاگری

خلاصه نمود. نشان دادن وتوضیح عملکرد راست روانه سازمان چریکهای فدایی که از دیدگاههای ایدئولوژیک و آرزویی آنها از هیئت حاکمه ناشی میشود. از جمله وظایف مهم کم - نیستها در این ایام است.

۴- دانشجویان انقلابی باید برای جلوگیری از توطئه شوم ارتجاع در جهت بستن دانشگاه ها و برای باز نگاه داشتن دانشگاه ها که از مراکز مهم افزایش آگاهی توده ها است، حتی المقدور و متناسب با فعالیت سیاسی و صنفی خود در کلاسها شرکت کنند. و بدین طریق در عین اینکه توطئه های ارتجاع را خنثی مینماید در عین حال نیروهای متزلزل و بیتابینی را که از این اقدامات ارتجاعی بیزارند در موضع مقابل حکومت قرار دهند.



## ما و گرسنگان

### رژه خواهیم رفت!

رفقا؟	برچمهای سرخ کمون،	سرمیدهم!	رفقا،	رفقا،
برچمهای سرخ کمون را،	با خون کارگران شیکاگو،	فردا،	فردا،	آما ده اید؟
با نقشی از خون کارگران ایران	و درسهای رهبران کبیرمان،	با کارگران بلشویک	با کارگران بلشویک	برچمهای سرخ را بر سردر خانه های تان
بدست بگیریم!	سزودا نترنا سیونال را میسازند	دوباره،	دوباره،	بیا و بیزید!
فردا،	وازلوگاه ما،	عهد میبندیم!	عهد میبندیم!	فردا،
ما و گرسنگان رژه خواهیم رفت	فشنگ	آما ده اید؟	آما ده اید؟	از سنگر کمون،
و برچم ما سرودرهای	برخواهد خاست!	رفقا.	رفقا.	به جشن خون میرویم!
خلق را،	هر کلام سرودمان گلوله ای،	در رژه فردا،	در رژه فردا،	فردا،
از کارخانه ها،	و هر طیش قلبمان چکاندن ما شای،	سینه های بمان سنگر،	سینه های بمان سنگر،	در خیا بانهای شیکاگو
به کوچها خواهد هیدرد.	آما ده اید،	و قلبها یما نملسل!	و قلبها یما نملسل!	سزودا یمان را،

## مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

بقیه از صفحه ۱  
درباره سه ...

( مکرراتخا دیه کمونیستیها ) - اتحا دیه درحقیقت ۴۷ ضمن بررسی بورژوازی ایران ، به بورژوازی ملی اعتقاد دارم که تا چهارچوب انقلاب دموکراتیک شاد و خوشحال است و در صورتی که پرولتاریا را با اراکلیسم انقلاب دموکراتیک بیرون بگذارد ، بیمناک میگردد . " ریح . حقیقت ۴۷ ) اما این " ماهیت " و " نقش " درسیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم لیسم ، الزاما در تاکتیک و در شعار آنها منعکس نمیشود پورتونیم تنها در تحلیل اقتصادی - سیاسی از کلیت سیستم نیست که ظاهرا میگردد بلکه در تاکتیک و در موضع سیاسی اتخاذ شده خود را به نحو برجسته تری به نمایش میگذارد . ما یک نمونه از این پورتونیم سیاسی راست را که در یک شعار معین و در یک تاکتیک " انفراد " تجلی پیدا میکنند در اینجا بررسی میکنیم در این مورد خطاب ما با راهکار رگراست .

نشریه راهکار رگراست را ملی دارم که هر شماره همه ویا بعضی از آنها را بهمراه میکند .

۱) بورژوا لیبرالها دلالان امپریالیسم را پیگیرانه افشا کنیم!  
۲) تا بودبا سرمایه انحصاری وابسته ، پایگاه امپریالیسم در ایران!

۳) مرگ امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران! این شعار بطور ارگانیک بهم مربوط هستند و اساس آنها بر تحلیل اقتصادی - سیاسی راهکار رگراست یکسو و تاکتیک آن در مبارزه طبقاتی جاری از سوی دیگر است .

حقیقت آنست که بورژوازی در ایران اکنون نماینده سیاسی ای وارد که بورژوازی لیبرال نماینده کل بورژوازی در ایران میباشد . ساختن اقتصاد سرمایه داری جا - معما ، وجود بورژوازی را ، با وجود سرمایه داری وابسته منطبق ساخته است . این امر که سرمایه بزرگ و وابسته با عبارات دقیقتر " سرمایه

انحصاری وابسته " بخش عظیمی از سرمایه در ایران را دربرمیگیرد ، به معنای تقسیم سرمایه وابسته و دویخت سرمایه انحصاری وابسته و سرمایه غیر انحصاری وابسته - سرمایه بزرگ وابسته و سرمایه متوسط و کوچک وابسته میباشد . سرمایه بین بورژوازی لیبرال - سرمایه وابسته و امپریالیسم را بررسی کنیم . گردش سرمایه در ایران ، در باز تولیدیها نیز حضور دارد ، با زود تولید در ایران در حقیقت با باز تولید جهانی سرمایه مرتبط است . این ارتباط مثل ارتباط با تولید در فرانسه و انگلستان و آلمان و آمریکا نسبت بهم نمیباشد ، زیرا در اینگونه کشورها بخش اعظم ارزش اضافی حاصله به چهارچوب کشور سرمایه گذار میگذرد ، بازمیگردد . برای نمونه اگرچه آمریکا در فرانسه سرمایه گذاری نموده است ، لیکن فرانسه نیز در آمریکا سرمایه گذاری کرده و ارزش اضافی حاصله را به پروسه باز تولید خود باز میگرداند . اینکه اکنون با پیدایش شرکت های چند ملیتی بزرگ یا دقیقتر شرکت های اترانسینالیسی سرمایه رتباط درونی و تاثیر متقابل سرمایه کشورهای امپریالیستی گوناگون در یک سیستم جهانی امپریالیستی نیز انعکاس مییابد ، در کم و کیف مسئله تفاوتی ایجاد نمیکند . اما در ایران سرمایه مالی امپریالیست ها است که در ترز - کب با انواع سرمایه های کوچک ، متوسط و بزرگ داخلی و به اشکال مختلف ، بخش عظیمی از ارزش اضافی را از پروسه تولید جدا کرده خارج میکند . در اینجا صحبت نه از سرمایه های جداگانه ، که از جریان سرمایه در ایران است . بهمین علت است که ما فاقد جریان سرمایه ملی و بطریق اولی بورژوازی ملی هستیم ؛ با زار داخلی و سرمایه مستقلا از امپریالیسم بطور کلی در ایران وجود ندارد . اصولا تکلیفی اقتصادی ایران و کلیت روابط تولیدی ( یا ساختن اقتصادی ) ما ، با توجه به زمینه های سرمایه گذاری و چگونگی

آن هرگز به بورژوازی ملی اجازه موجودیت ندارد و نمیدهد ( منظور پس از زمانی است که سرمایه داری وابسته در ایران مستقر شد ) . پروسه شکل گیری و تحکیم سرمایه داری وابسته در ایران به عبارات دیگر پروسه انحلال و نابودی سرمایه ملی و بورژوازی ملی میباشد . از این جهت طبقه سرمایه دار ایران طبقه امپریالیسم است و مکانیسم حرکت سرمایه به مناطق سودآور و رونق نون جهانی رقابت سرمایه علی الخصوص در شکل انحصاری آن ، اجازه رشد سرمایه ملی را نمیدهد . بنا بر این استدلال است که ما میگوئیم بورژوازی ملی در ایران با سوره ای بیش نیست و بورژوازی لیبرال در حال حاضر نماینده کل بورژوازی میباشد . از این بحث دو نتیجه مهم بدست می آید .

اولا : این تنها بورژوا لیبرالها بلکه طبقه سرمایه دار در ایران است که منافع سرمایه و بطور کلی سرمایه وابسته و در نتیجه سرمایه مالی امپریالیسم را تامین میکند . ثانيا : سرمایه انحصاری وابسته یا سرمایه بزرگ در یک سیستم معین عمل میکند . یعنی در سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم . تا زمانی که این سیستم وجود دارد منافع سرمایه مالی نیز کم و بیش تامین میگردد .

انقلاب ما وظیفه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته را به عهده دارد . بدون نابودی طبقه سرمایه دار طبقه ای که اساسا در پیوند با سرمایه امپریالیستی ، به وجود خود ادامه میدهد ، امکان اینکه جامعه سرمایه دار وابسته نجات یابد نیست . این طبقه سرمایه دار است که نماینده سیستم طبقه ها کام است . همین بورژوازی است که بواسطه همکاری و اشتراک منافع با سرمایه مالی به غارت و چپاول ایران بود خود و سودا امپریالیست ها مشغول میباشد . آیا جای بحث در این مورد وجود دارد . از لحاظ طبقاتی سرمایه انحصاری

وابسته نیز در همین طبقه بیانگردد . و حافظان درونی خود را مییابد . و به زبان دیگر این سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، این طبقه حاکم اقتصادی سرمایه دار ، هستند که امکان عملکرد سرمایه انحصاری وابسته را نیز ایجاد میکنند .

" راهکار رگراست " در سخنرانی خود در دانشگاه پلی تکنیک پیرامون خرد بورژوازی و حاکمیت ، از انفراد بورژوازی لیبرال سخن میگوید . " انفراد " طبقه ای که باید " نباشد " شود . ما در اینجا ناگزیریم اندکی بروی این مسئله مکث کنیم . " انفراد " در مورد طبقه ای بکار میرود که هدف ما نابودی آن نیست . " انفراد " یعنی کوشش برای آنکه بورژوازی لیبرال به ضد انقلاب (؟) پیوندد و از طرف دیگر حتی امکان بیطرفی با نمودن جنبش خلق را نیز به نحرف نکشاند . کسی که یک گزده دانش سیاسی داشته باشد میداند که این به معنای وجود یک طبقه ( یا نیروی ؟ ) دیگر به جز نیروهای محرکه انقلاب و بورژوازی لیبرال منفرد شده ، میباشد . طبقه ای که انقلاب و وظیفه دار آنرا نابود کند . انقلاب پیوسته مبارزه بر تلاطم طبقات است و این مبارزه قهرا میزویی رحمانه مبارزه بر حفظ یک سیستم و نابودی آن ، مبارزه بر سر توسعه انقلابی نیروهای مولده و مناسبات اجتماعی با زارنده این تکامل است . در هر انقلاب یک طبقه معین اجتماعی باید نابود شود . انقلاب بدو از نظر سیاسی نیز به معنای سرنگون ساختن طبقه حاکم میباشد . هرگاه ، ما بورژوازی لیبرال را منفرد کنیم و با توجه به استدلال های مکرر راهکار رگراست نوشته ها یعنی " پرولتاریا ، خرد بورژوازی شهروندی را " نیز نیروهای محرکه انقلاب بحساب آوریم آنگاه سؤال ما اینست : پس در ایران چه طبقه ای باید نابود شود ؟

راهکار رگراست میزند : بورژوازی لیبرال ، این دلال امپریالیسم ، این خاش را افشا کنیم ! منفرد کنیم ولی نابود !! نه!

# فرخنده باد روز جهانی کارگر

بقیه در صفحه ۱۵

۹ اردیبهشت سالروز شهادت سه تن از  
 رزمندگان آزادی طبقه کارگر بدست جلادان  
 ساواک گرامی باد



محمود وحیدی

محمد رضا کلانتری

سعید کردقراچورلو

سرنوشت رژیم شاه و جلادان ساواک یکبار دیگر  
 نشان داد که ترور انقلابیون هیچگاه نمی تواند  
 رژیم های ضد خلقی را از قهر انقلابی توده ها در  
 امان نگهدارد.

نقشه از صفحه ۱۳  
درباره سه ...

راه کارگر معین تمیکنده چه طبقه ای در ایران باید باشد؟ کدام طبقه سوم، کدام نیروی ارتجاعی و سد راه انقلاب باید در این ان از بین برود؟ نکنده که ما طبقاتی نیستیم و از سیستم حاکم، طبقه معینی دفاع نمیکنیم. "راه کارگر" گه شانه خود را از زیر پاشخ صریح خالی میکند، هنوز خیال دارد در جمع آینه پس از انقلاب نیز بورژوازی لیبرال را که فقط آنرا اقصاء کرده است بدون نابودی تحمل نماید. ما معنای این مسئله را هم اکنون نشان میدهیم؛ تصور کنید در جمع معنای انقلاب صورت بگیرد، پرولتاریا و توده های خرده بورژوازی بر علیه بورژوازی قیام کنند، ولی به جای نابودی این طبقه حاکم از لحاظ اقتصادی و ایضاً سیاسی نیز هست، تنها با اقصاء آن، و منفرد کردنش (فقط خداوند با ریتعالی و راه کارگر میداند اینجا انفرادی چه معنی است) مشغول شود. پس از انقلاب (اگر مولا بتواند حتی بطور فرضی نیز چنین عنوانی را بکاربرد) بناز طبقه بورژوازی به جای خود باقی است، با یک تفاوت مهم: اینبار اقصاء هم شده است!

اما نباید از نظر راه کارگر قضیه تا این حد معما باشد. حقیقت آنست که "راه کارگر" پاسخی برای این حرف ما دارد. و آن اینست: مگر ما گفتیم "نابودیا در سرمایه انحصاری وابسته، پایگاه میریایم در ایران! پس این چیست؟ وقتی ما چنین حرفی میزنیم باید قضیه بدکافی روشن باشد!"

فی الواقع قضیه بدکافی هم روشن است. اینجا دو مینگتکه مطرح میگردد: "نابودیا در سرمایه انحصاری وابسته، پایگاه میریایم در ایران!" یعنی نابودیا جزیی از سیستم سرمایه دار و وابسته به آن نیست. یا لیم وزنده باد بقیه آن! یعنی نابودیا در سرمایه انحصاری و وابسته! یعنی مرگ بر سرمایه

انحصاری وابسته ما نبر "سیستم سرمایه داری وابسته به میریایم". این نکات کاملاً روشن و اتفاقاً زیاده از حد روشن هستند.

این شعار "راه کارگر" مکمل شعار اول است! راه کارگر نمیخواهد سیستم سرمایه داری وابسته را از بین ببرد بلکه میخواهد سرمایه انحصاری وابسته را همان سرمایه بزرگ وابسته را از میان بردارد. بقیه سرمایه وابسته یعنی سرمایه های غیر بورژوازی و متوسط آزادند! آنها میتوانند وجود داشته باشند. همینطور بخشی از بورژوازی منسوب به آنها، یعنی بورژوازی لیبرال که اساساً قبل از قیام توسط سرمایه های متوسط توضیح داده شده است و اندکی بیاید ولی باید اقصاء شود.

چنین دیدگاهی در تعیین اوضاع اقتصادی سیاسی جامعه ما که در این ابتدا و شعرا رهنهفته است برای موقعیت طبقاتی کنونی جامعه ما و برای کل تفاهای حاکم بورژوازی سیستم برخلاف ادعای "جدایی ناپذیری مبارزه طبقاتی از مبارزه ضد میریایستی" تنها به وجه میریایست یعنی به وجه سرمایه انحصاری وابسته در درون جامعه ما و میریایست لیم در خارج توجه دارد. نه به طبقه سرمایه دار ایران!

البته در اولین نگاه به شعار کذایی شاید چنین نتیجه ای بدست نیاید. ولی اگر دقت کنیم که از طرفی سرمایه انحصاری وابسته از کل سرمایه وابسته جدا میشود و در مقام نابودی قرار میگیرد، و آنگاه دقت کنیم به اینکه انفرادی "بورژوازی لیبرال" در دستور کار "راه کارگر" قرار دارد و نه نابودی طبقه سرمایه دار یعنی بورژوازی ایران که بهر طریق وابسته است. در میریایست که اینجا با استدلال محکمی وجود دارد که اولاً: نابودی سرمایه انحصاری وابسته نابودی سیستم سرمایه داری وابسته نمیشود. و این سیستم همچنان میتواند حفظ گردد در عین حال سرمایه انحصاری وابسته نابود شود و در ششانی از آنجا که بخش

(لیبرال) (؟) بورژوازی "اقصاء" و "منفرد" میشود. پس تنها بقیه بورژوازی که همان بورژوازی انحصاری وابسته (؟) میباشند نابود شود.

سومین شعار "راه کارگر" استدلال ما را کامل میکند. "راه کارگر" شعار مرگ بر میریایست آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران را میدهد. شعار مرگ بر میریایست، در شرایط انقلاب ما، جدا از مبارزه علیه سرمایه داری وابسته به میریایست تنها به شعاری خرده بورژوا - بورژوازی تبدیل میشود (همانطور که همیشه حاکم هم اکنون دودستی به این شعار چسبیده و خود را، دقیقتر سیستم سرمایه داری را از مبارزات روز افزون توده ها در مان نگاه میدارد). طرح این شعار به تنهایی و بدون طرح شعار نابودی سیستم معنایی ندارد! چنانچه تأییدتایجی که ما قبلاً از دو شعار فوق گرفتیم: بناز هم انقلاب ضد میریایستی در ایران، نه متوجه سیستم که متوجه سرمایه انحصاری وابسته و نه بر علیه طبقه سرمایه دار که بر علیه نفوذ میریایست یا احیاناً بخشی از بورژوازی است که از سرمایه انحصاری وابسته دفاع میکند (زیرا قبلاً گفتیم که بورژوازی لیبرال از نقطه نظر راه کارگر یک پدیده منفرد است) و اما بعد!

\* \* \*

با شیم نظری به مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران میفکنیم: "امریکا در درون کشور ما، طبقه نقشه" میباشند "بوسله عمل خود، با تکیه بر سرمایه داران بزرگ وابسته و بزرگ مالکان، که پایگاه اجتماعی اقتصادی ضد انقلابند... نخست در کار فرسایش انقلاب ایران است." مردم - ۲۱۶ - ص ۱

در اینجا دشمنان انقلاب تعیین میگردند، سرمایه داران بزرگ وابسته یعنی سرمایه انحصاری وابسته در داخل و میریایست آمریکا در خارج. حزب توده نیز بطور دائمی شعار میدهد مرگ بر میریایست آمریکا دشمن اصلی مردم ایران! آنها

خواهان انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی هستند. و این امر را بارها تکرار کرده اند. اما چینی که در اینجا مورد نظر ماست همان روح مشترک میان شعارهای حزب توده و "راه کارگر" میباشند. هر دو از نشانه گیری هدف اصلی انقلاب ظفره میروند. هر دو بطریقی کوشش میکنند که به سیستم کاری نداشته باشند و خواهان قطع نفوذ میریایست و نابودی سرمایه انحصاری وابسته هستند. و هر دو از اینکه مشخص کنند با لایحه در انقلاب ما چه سیستمی و در نتیجه چه طبقه ای باید نابود شود سر باز میزنند.

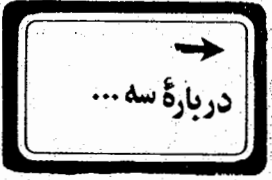
ما در اینجا نشان میدهیم که اتفاقاً علی رغم تفاوت سیاسی (از لحاظ موضع گیری در مقابل حکومت) استنباط واحدی در پشت این شعارها در بین حزب توده و راه کارگر وجود دارد.

حفظ سیستم یا حرف زدن از نابودی آن، و مشخص نکردن طبقه متخاصم در انقلاب و طرح انفیاد بورژوازی لیبرال را دادن، انیسر توهم انقلاب دمکراتیک شدن است. توهمی که هنوز انقلابیون ما با بسند مدتی با آن مبارزه کنند تا از در خرده بورژوازی از آن رها شوند.

"راه کارگر" با جدا کردن مبارزه با میریایست از مبارزه علیه سیستم موجود و علیه طبقه سرمایه دار در واقع انقلاب دموکراتیک پیروزمندی را در نظر دارد که در آن ضمن آنکه سیستم موجود از بین نمیرود، انقلاب نیز پیروز میشود. سرمایه انحصاری بزرگ نیز از بین میرود. اما طبقه بورژوازی از بین نمیرود.

حفظ همه طبقات در انقلاب و ترس از طرح نابودی بورژوازی (از شعار اقصاء بورژوازی لیبرال) که اساساً وابسته است در ایران همانطور که گفتیم از بلخا نفیسم راه کارگر نیز ریشه میگیرد. راه کارگر که در چند شماره خود حتی مراحتاً از نابودی بورژوازی و از جمله بورژوازی لیبرال حرف زده است، در اینجا با طرح اینگونه شعارها و با استناد به نفر

☆ در رد بر شهدای راه آزادی ☆



ادب و روزی لیبرال بدام همان فیابین متداول میافتد که مورد علاقه همه کسانی است که به عینیت طبقاتی کمتر از ثنوی عام توجه میکنند. به این عبارت دقت کنید:

"... مختصات انقلاب دموکراتیک (که در آن خرده بورژوازی ضرورتاً در صفوف خلق جای دارد) ... ص ۱ راه کارگر ضمیمه شماره ۸

اگر در انقلاب دموکراتیک ضرورتاً خرده بورژوازی شرکت دارد، بنا بر این در شرایط فعلی هم خرده بورژوازی مرفه سنتی در قدرت نیست زیرا در غیر این صورت انقلاب ما دموکراتیک نیست. حالا جلوتر برویم. انقلاب ما کل بورژوازی را نیز نمیتواند از بین ببرد زیرا در غیر این صورت یعنی اگر کل بورژوازی از بین برود نگاه دیگر انقلاب سوسیالیستی است. دیگر دموکراتیک نیست.

این دو نتیجه از جهتی دوسویه یک استدلال ابدی اپورتونیستی هستند که به طریق کوشش میکنند بورژوازی را حفظ نمایند. همه خرده بورژوازی خلقی است. بورژوازی از لیبرال باید منفرد شود و بعد سرمایه انحصاری وابسته بیدنا بود گردد! اینست مفهوم انقلاب ما از نظر راه کارگر!

ترکیب شعارهای فوق الذکر حقیقت دیگری را برجسته میکنند و آن عدم برخورد به سیستم موجودا معمه ما است. طبیعی است که اگر بورژوازی نباد از بین برود (چرا که انقلاب دموکراتیک است!) پس سیستم نیز نمیتواند نابود شود زیرا نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به سیستم لیبرالیسم به معنای انقلاب سوسیالیستی است!

استدلال فوق آنچنان غیردلیلی لکتیکی و مبتنی بر تحلیل های مجرد است که تا گزیرد را اینجا بایده اساس آن برخورد نمائیم (زیرا اساساً در جنبش بطور کلی نیز نه همین شیوه طرح میگردد.)

وقتی ما از انقلاب سخن میگوئیم ابتدا و قبل از هر چیز سیستم موجود و طبقاتی را که در آن قرار دارند

با بد تحلیل کنیم از لحاظ اقتصادی و سیاسی چه روابط معینی وجود دارد. سپس با توجه به مبارزه طبقاتی جاری تعیین میکنیم که انقلاب ما چگونه انقلاب دموکراتیکی و با چه طبقاتی است. اینک درجا معمه ما با ساخت سرمایه داری وابسته آن و با توجه به ماهیت بورژوازی اش، بورژوازی در صفا انقلاب و طبقه ا ق ت م ا د ی ح ا ک م میباشد. این حکم در حال حاضر در مورد خرده بورژوازی مرفه سنتی نیز از لحاظ فدا انقلابی بودن صادق است. با این تفاوت که در صورت تکوین پروسه شکل گیری نهایی قدرت بورژوازی این خرده بورژوازی و وکلا خرده بورژوازی مرفه پس از رانده شدن از قدرت در موضعی بینا بینی قرار میگیرد و در غیر این صورت تا زمانی که در حاکمیت سیاسی است سرنگونی آن نیز جز بر نامه ما است. نابودی بورژوازی به معنای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته میباشد. ترکیب طبقات و اقشار دیگر سیستم که بایده نابود گردیده نشان میدهد که توده های خرده بورژوازی و پرولتاریا نیروهای محرکه انقلاب ما میباشد. و جنبش ترکیبی از نیروها و با توجه به خواست آنها به معنای وجود پروسه دموکراتیک تحول انقلاب و استقرار دیکتاتور ری دموکراتیک خلق برهنی طبقه کارگر میباشد.

حال اگر ما وارونه حرکت کنیم. ابتدا همه خرده بورژوازی (بیتوجه به موقعیت واقعی اش) در صفا انقلاب ب جای میگیرد، آنگاه بورژوازی لیبرال طبق مدل کلاسیک انقلابات دموکراتیک معا منفرده میشود و میماند "جنبه فدا مپریالیستی - دموکراتیک؟! انقلاب!"

هیچ مارکسیستی از طریق مرز بندی نسبت به انقلاب سوسیالیستی، به انقلاب دموکراتیک تمیزد. مرز بندی ای که در واقع هیچ چیز جز کلی بافی در بر ندارد. ما به رای العین میبینیم که طبقه بورژوازی و نماسینه سیاسی کل آن در حکومت بورژوازی لیبرال بایده نابود شود. بایده بطور کلی از بین برود ولی از

اینجا نمیتوان فوراً فریاد کشید: ای دادای امان! آنها انقلاب سوسیالیستی را ترویج میکنند! نه! ما مشخصاً از نابودی سیستمی که وجود دارد و طبقه ای که از لحاظ حافظ آن و طبقه اقتصادی حاکم است سخن میگوئیم! آیا این به معنای سوسیالیستی بودن انقلاب است؟ هر کس که یکبار به تحولات انقلابی جهانی نظربیا فکند میبیند که چنین شیوه ای در واقع نتیجه معکوس میدهد و به جای روشن کردن وضع طبقات جامعه به روشن کردن یک سلسله مفاهیم مجرداً زواقیعت میانجامد.

"راه کارگر" بدون طرح شعار "نابود سرمایه داری وابسته به امپریالیسم" و بدون روشن کردن همه مسائل گفته شده، فریاد میزند "بورژوازی لیبرالها این دلان امپریالیسم را افشاء کنیم!" در حالیکه ما بایده آنها را نابود کنیم! نه تنها افشاء بلکه نابود. کسیکه با شعار فوق به پیش میآید و به افشاء بورژوازی لیبرالهاست (گرچه افشاء نیز بطور کلی بایده شامل حال همه هیات حاکمه با شد و نه فقط بورژوازی لیبرالها) در واقع بطور ضمنی بورژوازی لیبرالها را به مثابه نیروی بینا بینی میگیرد. که در یک انقلاب دموکراتیک بایده آنها را منفرد کرد. و ما تناقض این امر را با واقعیت طبقاتی موجود نشان دادیم.

امروزه در جنبش کمونیستی ما پاره ای از گروهها دفاع از خرده بورژوازی مرفه سنتی، مرفه بطور کلی را چنان در دستور کار خود قرار داده اند که گویی موضع طبقاتی خود را مورد مدافعه قرار میدهند. و حالا ما با گرایش دیگری روبه رویم که بورژوازی لیبرال را به تفصیل میکشاند تا انقلاب به ثمر برسد. این دیگر دفاع از بورژوازی لیبرال است. زیرا به جای آنکه در تیررس توده ها قرار دهد از مرکز مبارزه دور میکند و به توده ها نشان نمیدهد با لآخره چه طبقه ای در انقلاب ما بایده نابود شود و چه سیستمی را بایده از جا برکنند؟ چنین است دوستو! که همه به طریق آن میگزینند و راه کارگر

طرح شعارهای مذکور آنرا در پیرویه ابهام و دفاع از بورژوازی لیبرالها فرامیبرد.



اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کار و راهپیمایی دانشجویان

رفقا و هواداران!  
**رزمندگان**  
 را بخوانید و در پخش آن بکوشید!

# نابود سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



روز اول ماه مهر و جشن جهانی کارگران سراسر جهان است. روز اول ماه مهر و روزی است که در آن کارگران سراسر جهان با راه پیمایی، تظاهرات منظم و متشکل قدرت متحد خود را به برپا می‌دارند. این دشمنان کارگران نشان می‌دهند.

از ۴۴ سال قبل که حادثه شیکاگو اتفاق افتاد و روز اول ماه مهر و جشن جهانی کارگران نامیده شد تا کنون این روزها هدیه بسیاری مبارزات و تظاهرات عظیم و خونین بوده است. سرمایه‌داران که از هرگونه تشکیلات، آگاه و مبارزه کارگران وحشت دارند، برای عدم برگزاری این جشن، برگزاری جشن زیر رهبری خائنین به طبقه کارگری و سرکوب صفوف متشکل کارگران

برگزاری جشن اول ماه مه بود. در این سالها بعلمت خفقان شدید این جشن بطور مخفی برگزار میشد و کارگران پیشرو هر زمان که میتوانستند این روز را جشن میگرفتند.

بعد از فرا رفا خان و در اوایل سلطنت محمدرضا شاه خائن بعلمت مبارزات مردم و آزادیهایی که بر اثر آن بوجود آمده بود و ضعف بودن دولت مرکزی جشن اول ماه مه برگزار میشد ولی بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تسلط دوباره خفقان شدید، رژیم شاه از برگزاری جشن جلوگیری میکرد. در این او خرد روز اول ماه مه دولت شاهکارگر را با آرم کارخانجاتشان و زیر رهبری عناصر صرور کارگری ان خود فروخته به خیابان میاورد و

کارگران با شور و شوق فراوان خود را برای برگزاری جشن آماده میکردند و کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی کارگران را به برگزاری جشن دعوت میکردند، از گوشه و کنار از طرف دولت جمهوری اسلامی و عناصر وابسته به آن صادر شده میشد که: "این روز روز کارگران ایرانی ربطی ندارد و این روز دیگری را روز کارگران اعلام خواهیم نمود" و با این عمل سعی میکردند در صفوف پرشکوهِ کارگران جهان شکاف انداخته و مانع برگزاری جشن گردند.

رژیم که در آن زمان هنوز قدرت و جبارت سرکوب و جلوگیری از برگزاری جشن را نداشت سعی میکرد با فریب کارگران که هنوز امیدهای زیادی

بیاورد و کارگران که هنوز نسبت به این دولت توهم زیادی داشتند در این راه پیمایی شرکت کردند. عدم آگاهی و تشکیلات کارگران موجب شد که رژیم تا حد زیادی در این کار موفق نشود و راه پیماییها در این راه پیمایی که دولت حامی سرمایه‌داران برای کارگران برگزار کرده بود و هم‌اکنون انتظار آن هم میرفت همه به نفع دولت و در این جهت بود که به کارگران گفته شود که چندان تفاوتی با دیگران ندارند و مردمی هستند مثل دیگر طبقات و مردم جامعه، اصولاً همه مردم کارگران و جشن کارگران هم فرقی با سایر جشنها ندارد! کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی

# حقارت چندش آور حکومت در مقابله با جشن جهانی کارگران!

در این روز سعی بسیار کرده و میکنند. رژیم‌های ضد کارگری نیز به کمک سرمایه‌داران شناخته و این جشن را به شکل مختلف از اهدافش دور میکنند.

در ایران که در تمام این سالها تحت سلطه رژیم‌های ضد کارگر و امپریالیسم بوده است جشن اول ماه مه نتوانسته آنچنان که تا پیش از این برگزار شود، در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی سعی بسیار در هم شکستن صفوف متحد طبقه کارگر در این روز دارد. نگاه‌های به تاریخچه برگزاری این جشن در ایران و بخصوص در سال گذشته هر چه بیشتر مایه رژیم‌های شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی را در حمایت از منافع سرمایه‌داران بر علیه کارگران روشن میکند.

جشن اول ماه مه اولین بار در ایران در سال ۱۲۹۹ با شرکت هزاران نفر کارگر و با دعوت شورای مرکزی اتحادیه سراسری کارگران ایران که نماینده کارگران ۱۲۵ اتحادیه کارگری آن زمان بود برگزار شد.

بعد از قدرت گرفتن رضا خان یکی از اولین قوانینی که بر ضد کارگران و زحمتکشان تصویب شد لغو تعطیلی کارگران در این روز و ممنوعیت

خای پلاکاردهایی که مبنی بر طرح خواستهای کارگران با شیلوکاردهایی که روی آن تبلیغ محصول کارخانجات نوشته شده بوده دست کارگران میدادند و روز کارگر عملاً تبدیل به روزی برای تبلیغ محصولات سرمایه‌داران شده و در خدمت سرمایه‌داران در میآمد. اما در کنار این جشن ضد کارگری رژیم شاه و سرمایه‌داران کارگران پیشرو و بطور پنهانی مراسم روز اول ماه مه را برگزار کرده و خواستها و اهداف خود را بیان میکردند.

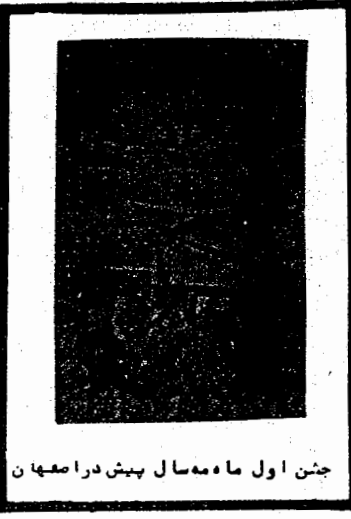
دو سال مبارزات خونین و پرشکوه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به دوران سلطنت رژیم شاه خائن خاتمه داد و رژیم جمهوری اسلامی مستقر گردید.

روز اول ماه مه سال گذشته - اولین جشن کارگری بعد از سرنگونی رژیم شاه خائن - روزی بود که کار

گران انتظار داشتند بعد از سالها فشار و سرکوب و فریبکاری رژیم شاه بتوانند نیروی خود را به تمامی سرمایه‌داران داخلی و خارجی نشان دهند و خواستهای خود را بیان کنند.

اما در حالی که هنوز ۳ ماه از قیام خونین و با شکوه ۲۲ بهمن گذشته بود

به این دولت داشتند، از برگزاری جشن اول ماه مه جلوگیری کند. اما کارگران قهرمان ایران سازمانهای کمونیست و انقلابی با تبلیغات وسیع خود این حیل را بر ملا کرده و در تمام ایران کارگران را به راه پیمایی دعوت کردند. رژیم جمهوری اسلا



جشن اول ماه مه سال پیش در اصفهان

می که آن شیوه را با شرافت خود نیز دست به راه پیمایی زدوسی کرد با این کار کارگران را که قصد برگزاری این جشن را داشتند بربرجم و شعارهای خود، بدخیابان

نیز با دعوت کارگران و جذب تعدادی از کارگران پیشرو توانستند راه پیمایی مستقل خود را در شهرهای مختلف برگزار کنند ولی رژیم در اینجا هم بیکار نداشت و با فرستادن عناصر خود به صفوف مستقل کارگران سعی در برهم زدن راه پیماییها نمود که در بعضی موفق و در بسیاری موفق نگشت.

اکنون یکسال و اندی بعد از مبارزات خلقهای دلاور ایران این رژیم ضد کارگر چه نقشه‌ای برای اول ماه مهر و جشن جهانی کارگران کشیده است؟ از بعد از آژان تقویم سال توسط دولت همه دیده‌اند که در تقویم دولتی - در تقویم سرمایه‌داران - اول ماه مه تعطیل اعلام نشده، این بدان معنی بود که کارگران باید در این روز سرکار ببروند.

رژیم با وجود اینکه میدانست که در سال جاری موفق به فرستادن کارگران به کارخانه در این روز نخواهد شد، روز اول ماه مه را تعطیل اعلام نکرد تا با اعلام رسمی آن تعطیلی اول ماه مه قانونی نشود! این کنار و شوه همسنگی سرمایه‌داران است آنها با تصویب قوانین ضد کارگری امتیاز

بقیه در صفحه ۱۸

## جشن اول ماه را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کنیم!

بیکاری این عفوئت دائمی جامعه سرمایه داری، بتدریج به یکی از محورهای اساسی مبارزه در جامعه سرمایه داری وابسته ما تبدیل میشود. بدون تردید صفا اول نبرد را در این محور کارگران روزحمتگان اشغال میکنند. در این میان فرزندان و خانواده های زحمتکشان نیز از تیررس این بلا در امان نمانده و مورد خطر قرار میگیرند، همین امر سبب ایجاد موج نویی در مبارزه خلق ما علیه نظام سرمایه داری وابسته میگردد. مبارزه فارغ التحصیلان بیکاری بخشی از این مبارزه را تشکیل میدهد. این فرزندان زحمتکش خلق ما که بطور عمد از هرگونه امکان معاش و کار دیگری جز استفاده از وضعیت تحصیلی محرومند هم اکنون فعالانه به عرصه مبارزه کشیده شده هر روز برای شکل و مبارزه گام تازه ای را بر میدارند، همزمان با نطفه بندی مبارزه آنان و وحشت و خفونت هیئت حاکمه نیز افزایش پیدا کرده و دست به یورشهای خونین میزند. اخبار این عرصه از جنبش نویدافزنده شدن صف مبارزه کارگران و زحمتکشان میدهد.

## بیکاران آبادان محکوم می کنند.

گزارش مختصر زیر گوشه ای از این مبارزه را در شهرستان آبادان نشان میدهد. جهت محکوم ساختن کارگران، کارگران، فارغ التحصیلان و دیگر زحمتکشان بدست هیات حاکمه، عصر سه شنبه ۲۶ فروردین ماه از سوی کانون فارغ التحصیلان بیکاران آبادان و حومه راهپیمایی ترتیب داده شد. این راهپیمایی با شرکت دو هزار نفر از محل فلکه ایستگاه ۳ کوی اتحاد (بازرگان سابق) آغاز شد و با صدور قطعنامه ای در مرکز شهر پایان یافت. راهپیمایان ضمن گذر از مسیرهای کوی اتحاد، کوی کارگر، کفیشه، لین هفت، شعایرهای زیر را میدادند.

۱- بیکاری سرچشمه فساد است،

سرمایه دار عامل این فساد است.

۲- از قحطی و گرانی و بیکاری مردم به تنگ آمده اند.

۳- کشتار بیکاران در شهرهای ما شهر، اندیمشک، بدست پاسداران عامل سرمایه دار، محکوم است، محکوم است.

۴- خلق دلیران ایران، هدیه بیکاران گلوله بودوزندان.

هنگام نزدیکی راهپیمایان به باشگاه نفت منظره جدیدی از مبارزه گشوده شده این ترتیب که کارگران صنعت نفت با ترک جلسه خود (جلسه ای که برای اعتراض و محکوم ساختن دستگیری، ستم از نمایندگان شورا تشکیل یافته بود) به خیابان آمده و با نشان دادن کارتهای عبور "پاس" شروع به دادن شعار نمودند تعداد این عده از کارگران کعبه ۸۰۰ تن میرسید شعارهای زیر را فریاد میزدند.

شورا، شورا، سنگرزحمتکشان شورا، شورا، سنگرمستضعفان وزیر ضد خلقی انعاما بیدگردد. وزیر ضد شورا انعاما بیدگردد. لیبرال سازشکار محکوم است، زندانی صنعت نفت آزاد بیدگردد، اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد.

راهپیمایان در انتهای راه پیمایی خود در مرکز شهر ضمن قرائت متن افشاگرانه ای در مورد هیئت حاکمه قطعنامه خود را خوانده و خواسته های زیر را مطرح ساختند.

۱- ایجاد کارگاههای سرمایه امپریالیستی را با تمام توان و نیرو دنبال نموده و هرگونه سیاست سرکوب را در نهایت سیاست طبقه سرمایه دار و امپریالیسم میدانیم.

۲- حق بیکاری را تا زمانیکه به سرکار نرفته ایم حق مسلم تمام بیکاران دانسته و در جهت تحقق آن به مبارزه ادامه خواهیم داد.

۳- حق بیمه درمانی تا زمانیکه به سرکار نرفته ایم دولت موظف است که حق بیمه درمانی ما را تأمین بنماید.

۴- در پایان اعلام میداریم، سرکوب و کشتار بیکاران را در سراسر میهنمان، اخراج کارگران صنایع فولاد و بخاک و خون کشیدن زحمتکشان را محکوم ساخته و به فرزندان انداختن کارگران و زحمتکشان را برای تمام هم میهنانمان افشاء خواهیم کرد.



## اخبار جنبش

### اخبار کردستان

اخبار کردستان حکایت از دلیری و مقاومت خلق کرد میکند. هیئت حاکمه ضد خلقی بنا به وحشت از انتشار اخبار درست به هرگونه تحریف و دروغ پردازی زده است. در این شمار چند خبر کوتاه را که روز شنبه و چهارشنبه هفته قبل به دست ما رسیده است به اطلاع خوانندگان میرسانیم.

۳- ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۲۹ فروردین یک ستون ارتشی که از

جاده بیراهه عازم سرگوبی مردم سقز بود با مقاومت مردم در نزدیکی "بایوه" و بیروگشت، پیشمرگه ها با محاصره خود توانستند ۸ تریلر ارتشی را با محموله آنها مصادره کرده و اجناس آنها را به شوزای محلات تحویل دهند. هنگام ورود پیشمرگه ها به شهر که تریلرها را نیز به همراه داشتند مردم با شادی و هلهله از آنها استقبال کردند.

۳- ستون ارتشی بالای فیض آباد نزدیک سد قلاق توسط پیشمرگان مورد حمله قرار گرفته و دگان شد. این پیشمرگه ها همچنان در درگیریهای اطراف اربو و تلویزیون و پادگان که تا روز جمعه ادامه داشت فعالانه شرکت میکردند.

۴- ارتشی که با آمولانس در داخل شهر سقز نقل و انتقال میبخشد توسط مردم خلع سلاح گشتند.

۳- بنا به اظهارات از سر - بازان مجروح در بیمارستان شهر

سقز، هنگامی که آنها قصد الحاق به مردم را داشتند توسط پاسداران از پشت به گلوله بسته شدند.

۳- طبق اظهار نظر افسران و سربازان اسیر، بنی صدر در پاسخ تقاضای کمک ارتش اظهار داشته، از دسته پیشمرگان مسلحان کورد (مشکل از جاشای مزدور) و پاسداران مستقر در کرمانشاه کمک گیرند.

۳- هتل جهانگردی جلب سیاه خان (محل استقرار ستونهای ارتشی) و زاندارمری سقز توسط پیشمرگه ها مورد اصابت آرمی چی ۲ قرار گرفته و منهدم گردید. تاکنون ۵۴ نفر در هتل ۱۵ جسد در زاندارمری بدست آمده است.

۳- با محاصره پادگان سقز توسط مردم و پیشمرگه ها، فرمانده پادگان به تقاضای کمک و مذاکره کرده، ذوق و مهمات ارتش در پادگان سقز رو به اتمام است.

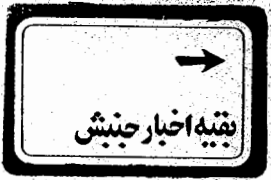
۳- طبق آخرین اخبار رسیده ساعت ۲/۵ چهار رتبه سوم اردیبهشت درگیری بین نیروهای انقلابی و ارتش ضد خلقی وجود دارد.

تپه قره چی آباد در نزدیکی های سقز از دست ارتش بیرون آمده و در تصرف نیروهای انقلابی مستقر در منطقه است.

۳- ۱۰ صبح چهارشنبه یک فرونده هلی کوپتر مورد اصابت رگبار پیشمرگه ها قرار گرفته و در چند کیلومتری آن محل سرنگون شده است.

۳- ۵۰ نفر از پرسنل انقلابی ارتش به همراه سلاحهای خود به صف نیروهای انقلابی پیوستند. به سبب آماده بودن مردم جهت مقاومت با روحیه عالی روحیه متزلزل قوای ارتشی احتمال عقب نشینی نیروهای ارتش ضد خلقی وجود دارد.

## با تمام قوا از مبارزات



و پنجشنبه ۲ هیلکیکو پتر سقوط کرد. در منطقه "گریگل" ارتش با تلفات سنگینی که بتوسط پیشمرگه‌ها به آنها زده شد، عقب نشست. روحیه مردم سنج بسیار عالی است. ★

### حمله ارتجاع به دانشگاه گیلان

هموطنان مبارز! در پی یورش اوپاشان و پاساداران رژیم به دانشگاه گیلان ۱۳ نفر

طبق خبری که صبح جمعه ۵/۲/۷۵ دریافت داشتیم ارتش مزدور به همراه پاساداران شهر سنج را از هر سو به خمپاره و راکت و توپ بسته است. شروع به بمباران شهر کرده اند. بتعدادی از منازل مسکونی آسیب وارد شده است. پیشمرگه‌های شجاع کرد ارتش را عقب رانده اند و ارتش در استان داری مستقر گردیده. با نگاه افسران زیر فشار پیشمرگه‌ها در حال سقوط قرار گرفته است. از ۳۲ تنی که برای کمک به باسگاه افسران رفته بود ۲۱ تنک منهدم گردیده؛ چهارشنبه

دانشجویان انقلابی، مقدم سرکوب همه کارگران و زحمتکشان بیخاسته بر علیه ظلم و زور سرمایه داران وابسته و مرتجعین میباشند. شعار مرگ بر پاسادار در تمام فضای شهرتین انداخته است، هادی غناری مرتجع معروف و سردمدار جماعت بدست رژیم با بسیج اوپاشان و حمایت پاساداران در صدد تهاجم گسترده به مردم که در کوچه‌ها و محلات سنگر گرفته اند میباشند. ما بهمه همپیمانان مبارز هشدار میدهم! تکرار افاجعه انزلی و کشتار جدیدی تدارک دیده شده است



از دانشجویان بشهادت رسیده و در حدود ۱۰۰۰ نفر زخمی گردیده اند. مردم قهرمان رشت بدنیا ل این واقعه تظاهرات و راهپیمایی‌ها بی با اعتراض به سپاه پاسداران و عمال رژیم برپا داشتند. بازاریان متعهد و مدارس امروز تعطیل کرده اند و جلوی ساختمان جهاد سازندگی مقرر پاسداران اجتماع کرده اند، با وجود گلوله باران پاسداران مردم در شهر دست به ایستادگی کردند. براحتی زده اند و حاضر نیستند. براحتی دستاوردهای قیام خونبار بهمن ر بزیربای چکمه پوشان جدید بریزند، مردم خشمگین منازعه‌های چندجانی معشور را که در جریان حوادث دیروز دست داشتند تاش کشیدند. زحمتکشان رشت بخوبی میدانند یورش به

### بقیه از صفحه ۱۶

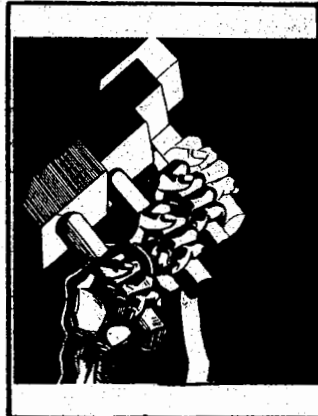
### حقارت...

مجبور شد عقب نشینی کند و انتخابات را به روز ۱۹ اردیبهشت موکول کند و حتی خود نیز اعلام را هیما می کرد. اما اعلام راهپیمایی امسال دولت حامی سرمایه داران نیز از حیل و نیرنگ خالی نیست اینان برای آنکه روزگار را روزی چون بقیه روزها و مسئله آترافاتی چون اتفاقی دیگر جلوه دهند. این مراسم را با سالروز گذشت مطهری همراه کردند.

زات بدست آمده کارگران و زحمتکشان را از آنان پس میگيرند و کلی گسردر همان اوائل بعلت مبارزات کارگران و زحمتکشان نتوانستند آترافا اجرا کنند. زیاده‌ها اهمیت ندارد این برای روزهای آینده و برای آن زمانی است که دولت خود را جمع و جور کرده باشد و برای آن زمان که وقتی بطور قانونی کارگران را سرکوب میکنند بگوید که هیچگاه قانونی خلاف این وجود نداشته است!

داران و علیه کارگران است. کارگران قهرمان و پرزمنده ایران! صف مستقل کارگران، هر شعار مستقل کارگروهرمبارزه مستقل کارگران ضربه‌ای است به رژیم و زمیند ای است برای افشاکاری علیه رژیم. با عدم شرکت در راهپیمایی که رژیم برگزار میکند شرکت در راهپیمایی نیروهای کمونیست و اتحادیه‌های خود، با طرح خواسته‌های مستقل خود روز اول ماه مه را به روز صفا آرایسی کارگران علیه رژیم جمهوری اسلامی، رژیم حامی نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم تبدیل کنیم!

روزگار گروسا لگردشاد است اما مطهری را همراه با قطع رابطه با آمریکا گنجاها نخواستار می‌بنداریم. این آخرین حیل‌های است که رژیم برای برگزاری هر چه حقیرتر روزگار گریه‌ها ریخته است: همزمانی ۲۴ مراسم با روزگار گرتا اول جشن جهانی کارگران اتفاق می‌چون دیگر اتفاقات بنظر آید و نشان در آنروز بتوانند در حالیکه کارگران را به خیابان کشته شده است بسیاری شعارها را در رابطه با مسائل دیگری به نفع دولت فدکا رگری خود بدهند. آیا این شکل دیگری از همان حقه‌شاه که روزگار گرتا به روز تبلیغ برای کارفرمایان و محصولات کارخانجات تبدیل میگردند نیست؟ بنظر ما ایندو تنها دوشکل متفاوت از فریب دادن کارگران توسط سرمایه‌داران و رژیمهای فدکا رگری میباشند و در اصل با هم فرقی ندارند.



آری رژیم فدکا رگر جمهوری اسلامی در کنار سرکوب و کشتار خلق کرد و ترکن، سرکوب و اعدام کارگران بیکار، حمله و کشتار صیادان انزلی، و کشتار دانشجویان در دانشگاهها در برگزاری جشن اول ماه مه هم‌ما هیت فدکا رگری و ضد انقلابی خوژا نشان میدهد و نشان میدهد که حامی سرمایه

اما عدم تعطیل اول ماه مه در تقویم همانطور که رژیم خود اقبال هم میدانست تا تیری نگذاشت و سازمانهای سیاسی و اتحادیه‌های کارگری شروع به تبلیغ و توضیح روز اول ماه مه نمودند. دولت برای تغییر روز کارگرازا اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) به دستا و یزد دیگری چنگ انداخت رژیم اعلام کرد که ادا ماه انتخابات - انتخابات مرحله دوم - روز ۱۲ اردیبهشت برگزار میشود تا ۲۴ ساعت قبل هر نوع راهپیمایی و تظاهرات ممنوع است. کارگران جشن خود را روز دیگری برگزار کنند. این یعنی روزگار گری روزگار گرتا میخواستیم انتخابات خود را به پایا نبرسانیم و کارگران را قانونی کردن خود را! اما این نیز موفق نشود!



# خلق کرد پشتیبانی کنیم!



درباره...

با قوت مبارزه بطور مشخص علیه یکی به معنی ندیده گرفتن و فراموش کردن دیگری نیست. مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سیستم سرما به معنی مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست!

و مبارزه برای "استقلال" به معنی پرولتری آن همین مبارزه و گانه است؛ وقتی ما شعار مگر برای امپریالیسم را میدهم، در کنار آن شعارنا بود با سرما به داری و وابسته به امپریالیسم را نیز میدهم. طبقه سرما به دار در این طبقه ای است که با تجار امپریالیسم ضدبوجا نه همانگونه که امروز به همراه خرده بورژوازی حاکم به سرکوب خلق و کشتار مشغول میباشد (علی رغم درایت خود در شیوه و زمان و شکل نظامی این کشتار در مقابل نادانی و کودنی آشکار خرده بورژوازی حاکم)، به کار رکنی در انقلاب، به کودتا، به انواع دسائیس علیه خلق توکل خواهد جست؛ آیا با بند مدنی ها، شاکرها، شادمهرها و... را دقیقتر معرفی کرد؟

بنابراین هنگام مبادا خلیه امپریالیستیها کمونیستها و طبقه دارنند بطور مستقل در مبارزه علیه امپریالیسم شرکت کنند در عین حال توده ها را برای نابودی سرما به داری وابسته به امپریالیسم تربیت نمایند و در هر کجا که میتوانند، زمینهای سیاسی آنرا که عیارت از سرنگونی بورژوازی و کسب قدرت توسط توده ها برهبری پرولتاریاست عملی سازند.

کسیکه مشخص نمیکند که چه طبقه ای باید از زمین برود تا "وابستگی" نباشد و "استقلال" تأمین گردد، در فکر انقلاب نیست، بلکه در فکر مبارزه آزاددینش بدون انقلاب بوده، و هنوز در توهم بسر میبرد. هنوز نمیداند که یک جامعه را طبقه تاش و مبارزه طبقه تاش بطور کامل میتوان شناخت. "س.ج." از سویی شعار استقلال را میدهد، و از طرف دیگر تاکتیک افراد بورژوازی لیبرال را بنا به نوشته "به تاکتیک... شماره ۲" دنبال

میکند. همچنین انقلاب برادر ایران ضد امپریالیستی میدانند آیا این به معنای آن نیست که فریاد بزنیم: ایران را مستقل کنیم! و درست مثل خرده بورژوازی از توضیح ما - هیت طبقه تاش مبارزه جاری سرباز بزنیم. حتی اگر ما از زاویه "حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش" در قبال امپریالیسم به مسئله بنگریم نباید لحظه ای فراموش کنیم که این استقلال ما را از تضادهای طبقه تاشی درونی به تنهایی دور نمیکند بلکه ملزم میسازد دقیقاً بر اساس آنها حرکت نماشیم.

باید بگوئیم که جنگ ضد امپریالیستی بتا نسیل انقلابی توده ها را با سرعت بالا میبرد. هر گاه کمونیستها بطور فعال و مستقل در این مبارزات شرکت کنند و با افشا بیگیری آنها هیت طبقه سرما به دار را به توده های انقلابی نشان دهند، آنگاه ضد انقلاب داخلی براحتی در تیریس توده ها قرار میگیرد. ماهیت بورژوا لیبرالها را جنگ، در همان آغاز کار عریان کرده و آشکارا در برابر توده ها قرار میدهد. جنگ متحدین داخلی امپریالیسم را به تکان میآورد. باید این متحدین را بشیوه انقلابی ریشه کن کنیم!

ما در مقابل جنگ دولتها، جنگ توده ها و امپریالیسم و سرما به داری وابسته قرار میدهم. ما در مقابل حمایت دنیا لهر و نه از هیئت حاکمه (که خود را ضد امپریالیست جا میزند) شرکت مستقل خود را در هر گونه جنگ ضد امپریالیستی اعلام میداریم! هیأت حاکمه ضد انقلابیها که هم اکنون خود بیشتر از هر چیزی در اندیشه سرکوب توده ها است، محسنت این تاکتیک و معنی حقیقی آنرا نشان میدهد. تجار و امپریالیسم به ایران نیز نمیتوانند این پیرو سه سرکوب و کشتار دشمنان حقیقی امپریالیسم را توجیه کنند. هم اینک هیأت حاکمه به کارگران، دهقانان و زحمتکشان و به خلقهای مبارز اولتیماتوم میدهد و آنها را از مبارزه

علیه سرما به داران و مرتجعین یعنی خود هیأت حاکمه بر حذر میدارد. و در همین شرایط هیأت حاکمه به تیز مبارزه خود را در داخل بر علیه انقلاب نگاه داشته است. آنها "معا صرافه اقتصاد" آمریکا را بهانه ای برای تصفیه انقلابیون قرار داده اند. هیأت حاکمه از انقلابیون میخواهد که با آن باشند (یعنی با ضد انقلاب!) و به دنبال آن بروند یا سرکوب خواهند شد. کردستان زیر ضربه شدید ارتش است؛ مدافعان ترمبا - رزه علیه امپریالیسم بدون تابودی سرما به داری وابسته و با مدافعان تز حکومت خلقی است و غیره. حالا در برابر واقعیات تند و تیز فوق کهنه در سطح وقایع بلکه در عمق وقایع میگذرند، چه میگویند؟ باز هم خود را با کلی بافت توجیه ثنوریک سازش مشغول میدارند (که گویا بعضاً حکومت انقلابی است!)؟ باز هم میگویند: ما خواهان استقلال هستیم (بدون توضیح اساس آن و معنی آن!).

جنگ و از جمله جنگ ضد امپریالیستی را باید از درجه طبقه تاشی نگریست. امپریالیسم برای انقیاد کامل خلقها و وابستگی آنها بخود، جنگ را آغاز میکند: انحصارات سود بیشتر میخواهند. او را برای نابودی سیستم موجود و آزادی حقیقی خلق جنگ را آغاز میکنیم! جنگ ما بر اساس منافع طبقه کارگر و خلق ایران و جنگ امپریالیستها بر اساس منافع انحصارات و برای گسترش ما را و دینفود سرما به داری است. آیا ما میتوانیم جنگ خود را بدون دست زدن به ترکیب طبقه تاشی جامعه، بدون نابودی سیستم سرما به داری وابسته، علیه امپریالیسم به پیش ببریم؟ نه! اینست پاسخ ما! از لحاظ تاکتیکی معنای عبارت فوق اشاعه شعارها نابودی سرما به داری وابسته به امپریالیسم، مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع، از یک طرف و شرکت فعال در هر دو زمینه عملکرد امپریالیسم از طرف دیگر است.

\* \* \*

آری بورژوازی از استقلال دم میزند. خرده بورژوازی ادعای آزادی دارد، و طبقه کارگر آنرا با نابود کردن سرما به داری وابسته به امپریالیسم، در اتحاد با توده دهقانان و زحمتکشان عملی میسازد. "استقلال" برای طبقه کارگر نابودی سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم و به خاک مالیدن پوزه امپریالیسم متجاوز است. نابودی طبقه سرما به دار در ایران است. تشکیل ارتش توده ای انقلابی بر سر هری خود اوست. اداره سرما به داری در دست خود اوست. و تشکیل دولت انقلابی یعنی دیکتاتور دموکراتیک کارگران و توده های دهقان و زحمتکشان شهری است که برهبری وی و با برنابسته میسازد.

بقیه از صفحه ۲۲

اینک ارتش اسلامی شمشیر، که خلق کرد را مستمکی برای بازسازی و جمع و جور کردن خود قرار داده است، هر چه بیشتر به اصل خویش بازگشت میکند. و بیانی صدر بعنوان فرمانده کل قوا، و فرماندهان مزدور دیگر، سعی میکنند نیروهای مقاومت درون آنرا درهم بشکنند. اما، این بار نیز، خلق کرد، چون سال گذشته، و مقاومت آن، حماسه آفریده است. ارتش مقاومت خلق کرد، با همه نابرابری در اقتصاد، از امکانات و تجهیزات، کردستان را گورستان دشمنان خلق کرده است. اگر هیأت حاکمه همه نیروهای خویش را در جهت سرکوب خلق کرد، از سر ایران بسیج میکند، این وظیفه نیروهای انقلابی و کمونیست است که با افتخاری شانه شانه و با تاکتیکهای مبارزاتی متناسب با منطقه و اوضاع و احوال سیاسی نوطنه سرکوب خلق کرد را خنثی سازند و پشت حبه نبرد کردستان را هر چه وسیعتر گسودند بکنند.

بدون نابودی سرما به داری وابسته خلق آزاد نمی شود.

بقیه از صفحه ۱

در حال یخسار اعلامیه دیدند بدو ن درنگ به رگبار بستند ( از خبرنامه شماره ۷۴ کومه )

در همین حال ، فعل و انفعالات نظامی که بیپناه دفاع از مرزها صورت میگرفت هما نظور که نیروهای انقلابی ، همدار داده بودند ، چهره خویش را نشان داد و "مخاصره برادران وار" سبندج ، رو واقعی خود را کسه کشتار و سرکوب خلق قهرمان کسرد است رو کرد و با ردیگر ضدها تن از خلق دلوار و زحمتکش کرد در با خاک و خون کشید ، ارتش این بار ، با تدارکات وسیع و تبلیغات و شهید نمایی مکرر ، وارد معرکه شده است . و در حالی که اعلامیه های سوزناک در مورد "ضرای کربلای" کردستان و ایکنه سروری سرپازان آب را نیز بسته اند صادر میکند ، با راکت ، توپهای سنگین ، هلی کوپتر و هواپیما شهر سبندج را به ویرانه بدل میکند ، او که نمیتواند آند آت ، به سرپازان در محاصره برساند ، صدها پاسدار "خون آشام" را با هوا پیما های ۱۳۰۱ آمریکا به میان کلان رزمیرساند!

هیأت حاکمه ، این "دیو خسون آشام" از خواب زمستانی سر بر آورده ، و "تنوره کشان" با پرندگسان آهنینش ، خلق دلوار و کرد را بمبارزه میطلبد . ارتش که از مدتها قبیل کردستان را در محاصره قرار داده و نیروهای خویش را بیپناه مبارزه با رژیم ضد خلقی بعث عراق در همه آن نواحی تقویت کرده است ، زمانرا برای کشتار خلق کرد از زهر لکاحه بزم خود ، آماده میکنند ، ارتش بسیج شده ، بهمنراه پاسداران مزدور ، تمام قصبه های مصالحه و مسالمت جو بی راه یا بی ناه خوش خویش نزدیک کرده است .

ساله کردستان برای بنی صدر و برای هیأت حاکمه ، بمنزله مرگ و زندگی است . آنها میخواهند هر چه و در تحاکمیت خویش را بر سر اسر ایران ، شهرها و روستاها ، ادارات و کارخانه ها و دانشگاهها و مدارس ، و خلاصه بر هر نهاد اجتماعی و سیاسی برقرار کنند و کردستان ، تنها جایی است که توده ها اجازه کمترین استقرار را به آنها نداده اند . این بیان معنی نیست که حکومت در دیگر نقاط اساساً مستقر شده است ، اما تفاوت کردستان با دیگر شهرها و روستا های میهن ما ،

اینست که در سا بجاها ، بعلاست وجود توده های هنوز متوهم ، علیرغم وجود بحران انقلابی و توده های همچنان منقلب ، کل هیأت حاکمه مورد استئوال قرار نمیگیرد . در حالیکه آتش انقلاب خلقمان در سرا سر کشور ، خاکستر سد شکست فرا نگرفته است ، این کردستان قهرمان است که شعله های آنرا همچنان فروزان نگهداشته است . خلق کردستان ، بدون ارتباط با طبقه کارگر و پیوند با دیگر خلقهای ایران و سپردن رهبری مبارزات به طبقه کارگر ، به تنهایی قادر نخواهد بود این مبارزات را بسر انجام برساند و از این نکته بیش از هر چیز ، دشمن اطلاع دارد . مبارزات خلق کرد همواره از جانب بخشهای آگاه خلقمان ، و از جانب بخشهای پیشرو طبقه کارگر و گروهی سازمانها و گروههای کمونیست و انقلابی و مترقی پشتیبانی شده است و این چیزی است که هیأت حاکمه نمیتواند تحمل کند .

او نمیتواند تحمل کند که بیکار اندیشگی ، کارگر درودی و مسجد سلیمانی و اهوازی ، دانشجوی تهرانی و بلوچ ، فریاد دفاع از کردستان بر دارند و هر جا که نبض مبارزه میزند ، فریاد زنده ها دخلق قهرمان کسرد بگوش میرسد . او نمیتواند تحمل کند که علیرغم تمرکز همه وسایل تبلیغاتی در دستهای جنایتکارش ، و علیرغم همه کوشش و جدیت شان روزی برای تحقیق خلق و فریب آنها و دگرگون جلوه دادن وقایع در کردستان ، بیانیتهای آنچنانی که از کله پیوک جفت های امثال "اویسی" بیرون میآید ، باز هم روز بروز پیوند مبارزات خلق کرد با دیگر خلقها و طبقه کارگر بران مستحکم شود .

او نمیتواند تحمل کند که موج پشتیبانی از مبارزات خلق کسرد ، در همه جا ، حتی درون صفوف ارتش زبانه بکشد ، سرپازان از پادگانها فرار کنند ، گروه گروه به خلق کسرد پیوندند . نه ! این دیگر برای هیأت حاکمه غیر قابل تحمل است . ساله مرگ و زندگی است ! اینک تمام انقلاب ایران در کردستان تسلیم یافته است و ضد خلق با ید که آنرا در هم بکوبد !

اینست که هیأت حاکمه ، همراه با سرکوب خلق کرد ، همه نیروهای

# پنجه های خون آلود بنی صدر

## اینک بر

# گلوگاه زحمتکشان کردستان

حکومت که حتی در پیکوچه های جنبش انقلابی خلق در مانده و سرگشته است ، مذبح خانه به کردستان این شاهراه پرهیبت ادامه انقلاب ب حمله می برد!

انقلابی را در سراسر ایران ریسر شدیدترین حملات گرفته است . کوشش ضد انقلاب در محدود کردن آزادیهای اساسی که از همان روز پس از قیام شروع شد ، امروز با بسیج مردم نا آگاه متمرکز میشود بطوری که روز تا رخی حاکمیت دولت "اروز تجلی" انقلاب فرهنگی "بر علیه فرهنگ انقلابی ، با جشن کتاب سوزان همراه میشود . سال گذشته نیز ، همراه با یبای حمله به کردستان ، این موج فاشیستی در همه جا گسترده شد .

اما از ۲۸ مرداد سال گذشته ، که فرمان ضد انقلابی بسیج توده ها صادر شد و به شکست مقتضانه ارتش ، سپاه پاسداران و هیأت حاکمه ضد خلق و سپس صدور فرمان برادرانسه ! صلح و دوستی منجر شد ، تا امروز ، هر چند که در تاریخ خلق ما ، جز لحظه ای بحساب نمیآید ، اما مبارزات خلق ما ، در کردستان و در سراسر ایران ، کیفیت دیگری یافته است .

اگر فرمان ۲۸ مرداد سال گذشته ، خلقی را از خاکندوبه هجلا آورد ، امروز دیگر همه "ننه من غریبم" بازی های ارتش ، همه شهید نمایی ها و همه کوشش ها در راه تقویت روحیات ناسیونالیستی در قبال دولت فاشیستی بغداد ، و همه آن آه و ناله ها و خط و نشان کشیدنیهای بیستی صدر ، قادر نیست حتی نیمی از آن نیروها را بمیدان آورد . صفا انقلاب فشرده تر شده است و ضد انقلاب هر چه بیشتر نفوذ توده ای و پایگاه خویش را از دست داده است .

این چنین است که سراسر ریبوی نال گذشته ، بنحود بگری تکرار میشود .

ارتش از مدتها قبل تدارک محاصره کردستان بزا دیده بود . تحریکات مرزی یعنی ، هابها نه بی بدست آنها داد تا از این فرصت حداکثر استفاده را کرده و نیروهای انقلابی داخل ارتش را سرکوب میزوی کرده و شرایط روانی مناسبی برای سرکوب خلق کرد فراهم کنند . آنها ارتش را بیپناه محافظت از مرزها ، بیپادگانها و شهرهای کردستان و آذربایجان فرستادند . ما نورنظ می و آموزشی ارتش به تمرین برای کشتار خلق کرد تبدیل شد . جاشها ، سازمان مسلمانان کرد ، و در واقع سپاه پاسداران ، مناطق مختلف کردستان را زیر هجوم قرار داده گشت به کشتار و حسیا نه زده اند بقیه در صفحه ۲۱

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!